Journal of American Strategic Studies

Interwar Deterrence: Escalation Management and Strategic Competition between the United States–NATO and Russia in the 2022 Ukraine War

Majid Rouhi Dehbaneh[1] | Farzin Rahmati Gilovai[2]

1. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran. majidroohi@iaurasht.ac.ir
2. M.A. Graduate in Regional Studies – Central Asia and the Caucasus, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran. farzinrahmati17371@gmail.com

Volume info

Vol. 6
Series: 22
Summer 2026
P.P: 166-202

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
17 July 2025
Revised:
14 August 2026
Accepted:
19 August 2026
Published:
23 Julv 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743

Abstract

In the strategic studies literature, deterrence has traditionally been defined as an instrument for preventing the outbreak of war. However, the 2022 Russia–Ukraine War demonstrated that the failure of initial deterrence does not necessarily signify the end of deterrence's utility; rather, deterrence can continue to operate throughout an ongoing conflict. By developing the concept of "interwar deterrence," this article examines the dynamics of mutual deterrence among the United States, NATO, and Russia during the Ukraine War. The central research question is: How were the parties involved, following the failure of deterrence to prevent the outbreak of war, able to employ military, nuclear, intelligence, cyber, economic, and diplomatic instruments to prevent uncontrolled escalation and direct confrontation between Russia and NATO? Using a documentary research method grounded in a descriptive–analytical approach and drawing upon strategic documents, security doctrines, and theoretical studies, the article demonstrates that interwar deterrence rested upon two distinct frameworks: the United States' and NATO's Integrated Deterrence strategy and Russia's Strategic Deterrence framework. The findings indicate that although classical deterrence failed to prevent the outbreak of war, interwar deterrence succeeded in managing reciprocal behavior among the parties, thereby significantly reducing the likelihood of both horizontal and vertical escalation, direct NATO involvement in the conflict, and the occurrence of a nuclear confrontation. Accordingly, the experience of the Ukraine War suggests that deterrence in conflicts among major powers is not merely a pre-war mechanism; rather, it persists as a dynamic process throughout the course of war and becomes one of the principal components of strategic competition management.

Keywords: Deterrence, Interwar Deterrence, 2022 Ukraine War, Russia, United States

Cite this article: Rouhi Dehbaneh, M and Rahmati Gilovai, F . (2026). Interwar Deterrence: Escalation Management and Strategic Competition between the United States–NATO and Russia in the 2022 Ukraine War. American Strategic Studies, 6(2),166-202. doi: 10.47176/asr.2026.1328

OPEN ACCESS

Publisher: Imam Hossein University.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی آمریکا»

بازدارندگی میان‌جنگی: مدیریت تشدید و رقابت راهبردی آمریکا– ناتو و روسیه در جنگ اوکراین (۲۰۲۲)

مجید روحی دهبنه[۱] | فرزین رحمتی گیلوائی[۲]

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. majidroohi@iaurasht.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای- آسیای مرکزی و قفقاز، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. farzinrahmati17371@gmail.com

چکیده

بازدارندگی در ادبیات راهبردی عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از آغاز جنگ تعریف شده است. با این حال، جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ نشان داد که شکست بازدارندگی اولیه الزاماً به معنای پایان کارکرد بازدارندگی نیست، بلکه این مفهوم می‌تواند در طول جنگ نیز به حیات خود ادامه دهد. این مقاله با توسعه مفهوم «بازدارندگی میان‌جنگی» به بررسی نحوه اعمال بازدارندگی متقابل میان ایالات‌متحده، ناتو و روسیه در جریان جنگ اوکراین می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله آن است که چگونه طرف‌های درگیر، پس از ناکامی بازدارندگی در جلوگیری از آغاز جنگ، توانستند از طریق ابزارهای نظامی، هسته‌ای، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و دیپلماتیک، از تشدید کنترل‌ناپذیر جنگ و رویارویی مستقیم میان روسیه و ناتو جلوگیری کنند؟ مقاله با بهره‌گیری از روش مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی و بر پایه اسناد راهبردی، دکترین‌های امنیتی و مطالعات نظری، نشان می‌دهد که بازدارندگی میان‌جنگی بر پایه دو چارچوب متفاوت استوار بوده است: بازدارندگی یکپارچه آمریکا و ناتو و بازدارندگی راهبردی روسیه. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه بازدارندگی کلاسیک نتوانست مانع آغاز جنگ شود، اما بازدارندگی میان‌جنگی توانست با مدیریت رفتار متقابل طرفین، احتمال گسترش افقی و عمودی جنگ، ورود مستقیم ناتو به منازعه و وقوع رویارویی هسته‌ای را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. از این‌رو، تجربه جنگ اوکراین بیانگر آن است که بازدارندگی در جنگ‌های میان قدرت‌های بزرگ صرفاً یک سازوکار پیشاجنگی نیست، بلکه به صورت فرآیندی پویا در طول جنگ نیز استمرار یافته و به یکی از مؤلفه‌های اصلی مدیریت رقابت‌های راهبردی تبدیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بازدارندگی؛ بازدارندگی میان جنگی؛ جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، روسیه، ایالات‌متحده.

سال و شماره

سال ۶، پیاپی: ۲۲
تابستان ۱۴۰۵
صص: ۲۰۲-۱۶۶

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۰۲۴۷-۲۸۲۱
الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳

استناد: روحی دهبنه، مجید و رحمتی گیلوائی، فرزین. (۱۴۰۵). بازدارندگی میان‌جنگی: مدیریت تشدید و رقابت راهبردی آمریکا- ناتو و روسیه در جنگ اوکراین (۲۰۲۲). مطالعات راهبردی آمریکا، ۶(۲)، ۲۰۲-۱۶۶. doi: 10.47176/asr.2026.1328

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع).

مقدمه

بازدارندگی[1] از زمان شکل‌گیری خود در دوران پس از جنگ جهانی دوم، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم مطالعات راهبردی و امنیت بین‌الملل بوده است. بخش عمده ادبیات این حوزه، بازدارندگی را به‌عنوان راهبردی برای جلوگیری از آغاز جنگ، منصرف ساختن دشمن از توسل به‌زور و حفظ وضع موجود مورد بررسی قرار داده است. بر همین اساس، موفقیت یا شکست بازدارندگی معمولاً بر اساس وقوع یا عدم وقوع جنگ ارزیابی می‌شود. در چنین برداشتی، آغاز جنگ به منزله شکست بازدارندگی تلقی شده و تصور می‌شود که این نظریه پس از شروع مخاصمه کارکرد خود را از دست می‌دهد.

جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، این برداشت سنتی را با چالش مواجه ساخت. هرچند بازدارندگی نتوانست از آغاز عملیات نظامی روسیه جلوگیری کند، اما رفتار ایالات‌متحده، ناتو و روسیه در طول جنگ نشان داد که بازدارندگی نه‌تنها از میان نرفت، بلکه در قالبی متفاوت و با اهدافی جدید استمرار یافت. در این مرحله، هدف اصلی دیگر جلوگیری از آغاز جنگ نبود، بلکه جلوگیری از گسترش دامنه منازعه، کنترل تشدید تنش، ممانعت از ورود بازیگران جدید، پیشگیری از رویارویی مستقیم میان روسیه و ناتو و جلوگیری از عبور بحران به سطح یک جنگ هسته‌ای یا جنگی فراگیر بود. به بیان دیگر، بازدارندگی از مرحله «پیش از جنگ» به مرحله «در خلال جنگ» انتقال یافت.

اگرچه در سال‌های اخیر پژوهشگرانی همچون اندرو تریل[2] (۲۰۱۳)، در کتاب خود با عنوان «تشدید تنش و بازدارندگی در حین جنگ‌های محدود خاورمیانه[3]»، الکس ویلنر[4] (۲۰۱۳)، در مقاله‌ی «حصارکشی در عرصه نبرد: تهدید، تنبیه و بازدارندگی درون‌جنگی در مبارزه با تروریسم[5]» و برخی مطالعات مرتبط با مدیریت تشدید تنش، از جمله روی آلیسون[6] (۲۰۲۶)، اشتاین[7] (۲۰۲۳) و لوپوچی[8] (۲۰۲۳)، به ابعاد محدودی از بازدارندگی در جریان جنگ اشاره کرده‌اند، اما این مفهوم

[1] Deterence
[2] W. Andrew Terrill
[3] Escalation and Intra War Deterrence During Limited Wars in The Middle East
[4] Alex Wilner
[5] Fencing in Warfare: Threats, Punishment, and Intra-War Deterrence in Counterterrorism
[6] Roy Alison
[7] Gross Stein
[8] Amir Lupovici

هنوز به‌صورت یک چارچوب نظری منسجم برای تبیین رفتار قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های معاصر صورت‌بندی نشده است. از سوی دیگر، ادبیات موجود غالباً بازدارندگی در زمان جنگ را در قالب مفاهیمی نظیر مدیریت بحران یا کنترل تشدید تنش تحلیل کرده و کمتر به آن به‌عنوان شکلی مستقل از بازدارندگی پرداخته است. از این‌رو، هنوز خلأ نظری در تبیین استمرار کارکرد بازدارندگی پس از آغاز جنگ وجود دارد.

مقاله حاضر درصدد پر کردن این خلأ است. استدلال اصلی پژوهش آن است که شکست بازدارندگی اولیه به معنای پایان بازدارندگی نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از آن است که می‌توان از آن با عنوان «بازدارندگی میان‌جنگی» یاد کرد. این مفهوم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که طرف‌های درگیر پس از آغاز جنگ، با بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای نظامی، هسته‌ای، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و دیپلماتیک، برای تأثیرگذاری بر محاسبات طرف مقابل، جلوگیری از تشدید کنترل‌ناپذیر جنگ و محدودسازی دامنه آن به کار می‌گیرند.

بر این اساس، پرسش اصلی مقاله آن است که ایالات‌متحده، ناتو و روسیه چگونه پس از شکست بازدارندگی، از طریق راهبردهای متفاوت خود به اعمال بازدارندگی در خلال جنگ اخیر اوکراین میان‌جنگی پرداختند؟ فرضیه مقاله آن است که بازدارندگی میان‌جنگی در جنگ اوکراین بر دو بنیان متفاوت، یعنی بازدارندگی یکپارچه آمریکا و ناتو و بازدارندگی راهبردی روسیه، استوار بوده و هر دو طرف با وجود اختلاف در اهداف و ابزارها، از بازدارندگی به‌عنوان سازوکاری برای جلوگیری از تشدید غیرقابل کنترل جنگ استفاده کرده‌اند. از این منظر، جنگ اخیر اوکراین نشان می‌دهد که در منازعات میان قدرت‌های بزرگ، بازدارندگی نه یک رویداد پیش از جنگ، بلکه فرآیندی پویا و مستمر است که در تمام مراحل جنگ ادامه یافته و نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت رقابت‌های راهبردی ایفا می‌کند.

۱ـ پیشینه پژوهش

پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، پژوهشگران بسیاری از زوایای مختلف به بررسی این جنگ پرداخته و همواره تلاش نمودند تحلیل‌های خود را از دریچه نظریات متنوع مورد تفسیر و تبیین قرار دهند. در این میان، برخی از منابع به بازدارندگی و چرایی شکست آن و همچنین رویکرد

آمریکا و روسیه نسبت به جنگ اختصاص یافته است. برخی دیگر که البته تعدادشان نیز بسیار کم است، به بازدارندگی در زمان درگیری پرداخته‌اند که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

در حوزه تحلیل شکست بازدارندگی، کالین مایزل[1] (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان «شکست در گفتمان، شکست بازدارندگی[2]»، عنوان می‌کند که آمریکا به‌رغم تهدیدهای کاملاً آشکار مبنی بر پاسخ سریع و شدید با تحریم و انتقال تجهیزات به اوکراین، نتوانست جلوی تجاوز روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ را بگیرد. اگرچه این رویداد شکستی برای بازدارندگی محسوب می‌شود، اما یک موفقیت نیز داشته است و آن‌هم جلوگیری از یک جنگ گسترده میان روسیه، آمریکا و ناتو بوده است.

استفان بروکس و ولاشا چانتوریدزه[3] (۲۰۲۳)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «جنگ دراوکراین: شکست بازدارندگی[4]»، استدلال می‌کنند با توجه به حمله روسیه به اوکراین سیاست بازدارندگی دیرینه آمریکا در قبال روسیه شکست خورده است. آن‌ها دو دلیل اصلی برای این شکست برمی‌شمارند: نخست، عدم جلوگیری از حمله روسیه به همسایگانش در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۴، ۲۰۲۲ و اعمال تحریم‌های خفیف علیه روسیه در جریان دو جنگ اخیر؛ و دوم، امتناع آمریکا از سرمایه‌گذاری در نسل جدیدی از سلاح‌های استراتژیک. در همین راستا، آنتولیو اچواریا دوم[5] (۲۰۲۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بازدارندگی از جنگ بدون تهدید به جنگ: احیای رویکرد ریسک گریز غرب به بازدارندگی[6]»، این ناکامی را به نبود سیاست رسمی بازدارندگی غرب مرتبط می‌داند. وی معتقد است که غرب در قبال روسیه هم سیاست بازدارندگی داشت و هم استراتژی بازدارندگی حمایتی، اما این‌که سعی کرد بدون تهدید به جنگ، جلوی درگیری را بگیرد، عاملی بود که اوکراین را در برابر روسیه آسیب‌پذیر ساخت.

---

[1] Collin Meisel
[2] Failure in the "Deterence Failure" Dialoge
[3] Stefan S. Brooks and Lasha Tchantouridze
[4] The War in Ukraine: The Failure of Deterence
[5] Antulio Echevarria II
[6] Deterring War without Threatening War: Rehabilitating the Wests Risk-averse Approach to Deterrence

دسته دیگری از پژوهش‌ها بر تفاوت‌های فرهنگی و راهبردی در رویکرد دو کشور به بازدارندگی متمرکز شده‌اند. دیمیتری آدامسکی[1] (۲۰۲۴)، در کتابی با عنوان «روش روسی بازدارندگی: فرهنگ استراتژیک، اجبار و جنگ[2]»، معتقد است که روسیه با رویکرد استراتژیک به بازدارندگی و با هدف جلوگیری مستقیم ورود طرف‌های ثالث به‌ویژه ناتو و تضمین تسلیم کی‌اف، وارد جنگ با اوکراین شده است. وی تفاوت رویکرد روسیه و آمریکا را به فرهنگ راهبردی دو کشور نسبت می‌دهد. وی همچنین، در مقاله دیگری با عنوان «کوآودیس، بازدارندگی روسیه: فرهنگ استراتژیک و نوآوری‌های اجبار[3]»(۲۰۲۴/۲۰۲۵)، نشان می‌دهد که روسیه پس از ۲۰۲۲، اولویت‌های خود را بر احیای اعتبار اجبار، اصلاح اجبار هسته‌ای و توسعه یک استراتژی اجبار هسته‌ای برای رقیب نزدیک غیرهسته‌ای قرار داده است.

در نقطه مقابل، گروه اندکی از پژوهشگران به مفهوم بازدارندگی در زمان جنگ توجه کرده‌اند. امیر لوپوویچی[4] (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بازدارندگی از طریق تحویل سلاح: ناتو و جنگ در اوکراین»، عنوان می‌کند که در طول جنگ روسیه با اوکراین، ناتو و غرب نه با تهدید به جنگ یا استقرار نیرو، بلکه با متعهد شدن به تحویل و ارسال سلاح به اوکراین، به بازدارندگی در قبال روسیه پرداخته‌اند. همچنین، محققان دیگری از جمله برد رابرتس[5] (۲۰۲۵) و مرکز تحقیقات امنیت جهانی[6] (۲۰۲۴) در مقاله و گزارش خود از مفهومی با عنوان «بازدارندگی میان جنگی» نام بردند و به آمریکا توصیه کردند که در زمان جنگ از این رویکرد پیروی کند.

اگرچه پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر شکست بازدارندگی پیشاجنگی (Meisel, 2023; Brooks & Tchantouridze, 2023) یا تفاوت‌های فرهنگی دو طرف (Adamsky, 2024) متمرکز بوده‌اند و مطالعات معدودی نیز از جمله (Lupovici, 2023; Allison, 2026; Stein, 2023)، به ابعادی از بازدارندگی در زمان جنگ اشاره و یا برد رابرتس و مرکز تحقیقات امنیت جهانی نیز فقط گریزی به بازدارندگی میان جنگی داشته‌اند، اما هیچ‌یک چارچوبی نظری منسجم برای تبیین کاربرد هم‌زمان ابزارهای نظامی، هسته‌ای، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و دیپلماتیک در خلال جنگ ارائه نداده‌اند.

[1] Dimitry (Dima) Adamsky
[2] Russian Way of Deterence: Strategic Culture, Coercion, and War
[3] Quo Vadis, Russian Deterence? Strategic Culture and Coercion Innovations
[4] Amir Lupovici
[5] Brad Roberts
[6] Center for Global Security Research

نوآوری مقاله‌ی حاضر در سه سطح است: نخست، به صورت‌بندی نظری مفهوم «بازدارندگی میان‌جنگی» به‌عنوان حلقه‌ی مفقوده میان بازدارندگی کلاسیک و مدیریت تشدید تنش پرداخته است؛ دوم، به‌طور تطبیقی هم‌زمان دو راهبرد رقیب (بازدارندگی یکپارچه‌ی آمریکا-ناتو در برابر بازدارندگی راهبردی روسیه) که تاکنون در هیچ پژوهشی با هم مقایسه نشده‌اند را مورد مطالعه قرار داده؛ و سوم، تحلیل یکپارچه‌ای از تمامی ابزارهای بازدارندگی در یک مطالعه موردی عمیق، انجام داده است. از این‌رو، مقاله‌ی حاضر نه‌تنها خلأ نظری ادبیات موجود را پر می‌کند، بلکه الگویی تحلیلی برای مطالعه‌ی جنگ‌های آینده میان قدرت‌های بزرگ ارائه می‌دهد.

۲ـ روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی بوده و با رویکرد توصیفی- تحلیلی و روش مطالعه اسنادی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد رسمی دولت‌ها، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، مقالات علمی و منابع تخصصی حوزه مطالعات امنیتی گردآوری شده‌اند. واحد تحلیل پژوهش، رفتار راهبردی روسیه، ایالات‌متحده و ناتو در خلال جنگ اوکراین است. برای تحلیل داده‌ها از رهیافت تحلیل مفهومی استفاده شده است. در این چارچوب، ابتدا مفاهیم موجود در ادبیات بازدارندگی بررسی و سپس با استفاده از مطالعه موردی جنگ اوکراین، مفهوم بازدارندگی میان جنگی صورت‌بندی و آزمون شده است.

۳ـ مبانی نظری

۳ـ۱ـ تعریف و اصول

نظریه بازدارندگی یک مفهوم اساسی در روابط بین‌الملل، به‌ویژه در مطالعات امنیتی و منازعه است و ریشه در این باور دارد که با متقاعد کردن مخالفان به این موضوع که هزینه‌های تجاوز بیش از مزایای بالقوه آن است، می‌توان مانع از انجام اقدامات نامطلوب توسط دشمنان شد. این مفهوم در مقابل مفهوم نزدیک اما متمایز «وادارگری[1]» قرار دارد که به تلاش برای وادار کردن یک بازیگر به انجام کاری، تعریف می‌شود (Mazaar, 2018: 2). نظریه بازدارندگی که در ابتدا در طول جنگ سرد برای مدیریت رویارویی‌های هسته‌ای توسعه یافت، از آن زمان تاکنون برای پرداختن به طیف وسیعی

[1] Compellence

از تهدیدها در روابط بین‌الملل، از بازدارندگی نظامی متعارف گرفته تا امنیت سایبری و تروریسم، تکامل یافته است.

در این نظریه که دانشمندان علوم سیاسی و استراتژیست‌هایی چون توماس شلینگ[1] و برنارد برودی[2] سهم عمده‌ای داشتند، بر این نکته تأکید می‌شود که با قدرت مخرب سلاح‌های هسته‌ای، جنگ سنتی غیرمنطقی شده و در نتیجه بایستی راهبردی برای جلوگیری کامل از درگیری اتخاذ کرد (Brodie, 1946; Schelling, 1966). طبق این نظریه، صلح نه با خلع سلاح، بلکه با اطمینان از اینکه هزینه‌های هر حمله‌ای به طرز بازدارنده‌ای بالاست، قابل دستیابی خواهد بود.

بازدارندگی بر مبنای سه اصل کلیدی سازماندهی و تئوریزه شده است: اعتبار[3]، قابلیت‌ها[4] و یا توانایی‌ها و ارتباطات[5]. بازدارندگی مؤثر به اعتبار متکی است، به این معنی که طرف بازدارنده باید به‌طور قانع‌کننده‌ای هم توانایی و هم تمایل به‌تلافی را نشان دهد. اعتبار شرط ضروری بازدارندگی است؛ زیرا بدون آن، دشمن ممکن است تصور کند که اقدامات وی هیچ پیامدی برایش نخواهد داشت (Halas, 2019: 433).

بازدارندگی مبتنی بر توانایی، مستلزم آن است که یک کشور از توانایی نظامی کافی برای پاسخ قاطع به هر تهدیدی برخوردار باشد. برای مثال، بازدارندگی هسته‌ای به توانایی یک کشور در انجام یک حمله تلافی‌جویانه بستگی دارد که اغلب از طریق قابلیت «ضربه دوم» انجام می‌شود تا اطمینان حاصل شود که حتی یک حمله پیشگیرانه نیز نمی‌تواند بازدارندگی آن را خنثی کند (Freedman, 2004). در نهایت قصد بازدارندگی باید به‌طور واضح به متجاوزان بالقوه ابلاغ شود. این ابلاغ می‌تواند به شکل اعلامیه‌های عمومی، رزمایش‌های نظامی یا تعهدات اتحاد باشد که نشان‌دهنده نیات دفاعی است (Powell, 1990).

البته برخی محققان به یک اصل مهم دیگر از بازدارندگی که گاهی تا حدودی فراموش می‌شود، یعنی ادراک نیز اشاره می‌کنند. در اینجا تأکید می‌شود که برای برقراری ارتباط مؤثر، باید مخاطب را به خوبی شناخت و اگر تصمیم‌گیرندگان سعی نکرده باشند بفهمند که مخالفانشان چگونه جهان

[1] Thomas Schelling
[2] Bernard Brodie
[3] Credibility
[4] Willingness
[5] Communication

را می‌بینند، تلاش‌های آن‌ها برای تدوین یک استراتژی بازدارندگی علیه همان مخالفان احتمالاً شکست خواهد خورد (Jervic, 1982).

۳ـ۲ـ انواع بازدارندگی

نظریه بازدارندگی شامل انواع مختلفی است که برای پرداختن به نگرانی‌های خاص امنیت بین‌المللی تکامل یافته‌اند: بازدارندگی عمومی در مقابل فوری[1]، مستقیم در مقابل گسترش یافته[2] و در نهایت بازدارندگی با انکار در مقابل بازدارندگی با مجازات[3]. بازدارندگی عمومی به تلاش‌های بلندمدت برای جلوگیری از هرگونه اقدام خصمانه اشاره دارد، در حالی که بازدارندگی فوری در موقعیت‌های تهدید مستقیم و فوری استفاده می‌شود (Huth, 1988; Mazarr, 2018: 4). هر دو نوع بر اصول اساسی یکسانی تأکید دارند، اما در فوریت و جزئیات مدیریت تهدید متفاوت هستند.

بازدارندگی مستقیم شامل تلاش یک دولت برای جلوگیری از حملات به خاک خود است. بازدارندگی گسترش یافته، بر منصرف کردن حملات به اشخاص ثالث مانند متحدان یا شرکاء تأکید دارد. بازدارندگی گسترده شامل تعهد یک کشور به دفاع از متحدانش و نه فقط خودش، است. برای مثال، آمریکا بازدارندگی گسترده را برای اعضای ناتو تضمین می‌کند و این نشان می‌دهد که تجاوز به هر عضوی، واکنش نظامی یکپارچه‌ای را در پی خواهد داشت (Huth & Russett, 1988: 15-18).

بازدارندگی با مجازات به ترغیب دشمن به عدم انجام یک اقدام خاص از طریق تهدید به تلافی شدید، اشاره دارد (Lanoszka etal., 2023; Mazarr, 2018: 2). از سوی دیگر، بازدارندگی با انکار، توانایی و انگیزه واقعی برای دفاع است و بدین ترتیب دشمن را متقاعد می‌کند که دستیابی به وضعیت نهایی مطلوب خود غیرممکن است (Pezard & Rhoades, 2020: 202). این رویکرد مستلزم استقرار نیروهای قابل توجه، توانمند، با آمادگی بالا و دانش لازم در منطقه است که از طریق تمرین منظم طرح‌های دفاعی محلی و منطقه‌ای، حاصل می‌شود.

۳ـ۳ـ بازدارندگی میان جنگی: مفهوم، اهداف و تمایز

اگرچه چارچوب یادشده در بالا در تبیین جنگ سرد کارآمد بودند، اما در مواجهه با تحولات امنیتی قرن بیست‌ویک دچار کاستی‌های جدی شدند. چراکه جنگ‌های معاصر ماهیتی ترکیبی،

[1] General Versus Immediate
[2] Direct Versus Extended
[3] Denial Versus Punishment

تدریجی و چندبعدی یافته‌اند؛ مرز جنگ و صلح محو شده و رقابت قدرت‌ها از عرصه نظامی به حوزه‌های اقتصادی، اطلاعاتی، سایبری، شناختی و فناورانه گسترش یافته است. علاوه بر این، تجربه جنگ اوکراین این نیاز را برجسته‌تر کرد که با وجود تلاش گسترده غرب برای بازداشتن روسیه از تهاجم، این سیاست با شکست روبه‌رو شده است (Renz, 2023; Echevarria II, 2024). با وجود این، آنچه این نبرد را متمایز ساخت، این واقعیت بود که وقوع جنگ پایان‌بخش رقابت بازدارنده نیست؛ بلکه بازیگران حتی در میانه درگیری نیز برای تأثیرگذاری بر رفتار دشمن و محدودسازی اقدامات او می‌کوشند. به‌عبارت دیگر، بازدارندگی کلاسیک- که بر پیشگیری از جنگ متمرکز است- در توضیح پویایی‌های درون‌جنگی ناتوان است.

در پاسخ به این ناکارآمدی، مطالعات راهبردی جدید با تکیه‌بر مفاهیمی چون «مدیریت تشدید تنش[1]» (Frederick et al., 2023; Stein, 2023; Allison, 2026) و «بازدارندگی از طریق ارسال تسلیحات[2]» (Lupovici, 2023) سعی کردند تا بازدارندگی در زمان جنگ را تبیین کنند؛ اما این چارچوب‌ها نیز در تشریح تمامی اشکال رفتار بازدارنده مشاهده‌شده در جنگ اوکراین ناتوان بودند؛ زیرا بسیاری از اقدامات روسیه و غرب نه با هدف جلوگیری از تشدید که در جهت تغییر یا محدودسازی رفتار دشمن در حوزه‌های گوناگون صورت گرفت.

از این‌رو، مفهوم «بازدارندگی میان‌جنگی» پدید آمد. اگرچه نخستین بار اندرو تریل[3] (۲۰۰۹) در اثر خود این عبارت را برای تبیین جنگ‌های اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳) و خلیج‌فارس (۱۹۹۱) به کار برد و آن را «تلاشی برای مهار تشدید قابل‌توجه تنش نظامی در جریان جنگ» تعریف کرد و سپس الکس ویلنر (۲۰۱۳) آن را برای مبارزه با تروریسم به کار گرفت، اما پس از جنگ ۲۰۲۲ اوکراین بود که این مفهوم به‌طور جدی تئوریزه شد.

بازدارندگی میان جنگی، به‌عنوان هنر متقاعد کردن دشمنی تعریف می‌شود که تصمیم به آغاز جنگ گرفته تا از به‌کارگیری تمام ابزارهای در دسترس خود برای دستیابی به پیروزی خودداری کند. این اقدام درواقع تلاشی برای جلوگیری از گسترش قابل‌توجه جنگ، پس از ناکامی در بازداشتن دشمن از تصمیم به آغاز آن است (Roberts, 2025:11). همان‌طور که توماس شلینگ

[1] Escalation Deterrence
[2] Deterrence by Delivery of Arms
[3] W. Andrew Terrill

استدلال کرده است: «ما معمولاً وقوع یک جنگ بزرگ را به معنای شکست بازدارندگی می‌دانیم؛ و همین‌طور هم هست، اما اگر تلاشی برای تعمیم بازدارندگی به خود جریان جنگ صورت نگیرد، این شکست می‌تواند ابعاد وخیم‌تری پیدا کند» (Schelling, 2008: 191).

هدف اصلی راهبرد بازدارندگی در حین جنگ، ایجاد عدم تمایل به تشدید درگیری؛ از جمله تشدید افقی (گسترش جغرافیایی مناقشه)، تشدید عمودی (افزایش شدت درگیری با استفاده از سلاح‌ها و/ یا عملیات مرگبارتر) و تشدید بین‌حوزه‌ای (که می‌توان آن را نوعی تشدید افقی دانست)، است (Morgan et al., 2008; Lo et al., 2022). درواقع، هدف اصلی بازدارندگی در حین جنگ، تأثیرگذاری بر محاسبات رهبران دشمن است که بر سر دوراهی تشدید درگیری یا خویشتن‌داری قرار دارند. به عبارت دقیق‌تر، می‌خواهد دشمن را متقاعد سازد که هزینه‌ها و مخاطرات تشدید درگیری، بیش از منافع آن است (Stein, 2023).

با این حال، ایجاد عدم تمایل به تشدید درگیری، تنها هدف راهبرد بازدارندگی در حین جنگ نیست. دو هدف دیگر نیز وجود دارند که اگرچه متمایز هستند، اما ارتباط تنگاتنگی با هدف نخست دارند: ترغیب به کاهش تنش و فراهم‌سازی شرایط برای صلحی پایدار. راهبرد مذکور باید رویکردی منسجم نسبت به هر سه هدف ارائه دهد، حتی اگر این اهداف گاه با یکدیگر در تضاد باشند. بازدارندگی در حین جنگ فرآیندی مستمر است و [صرفاً به دلیل وقوع جنگ] به‌طور کامل شکست‌خورده محسوب نمی‌شود (Roberts, 2025: 11).

میان بازدارندگی میان‌جنگی با بازدارندگی کلاسیک تفاوت‌های اساسی وجود دارد که می‌توان آن در سه سطح هدف، دامنه و زمان‌بندی به این صورت بیان کرد:

به لحاظ هدف، بازدارندگی کلاسیک به‌دنبال جلوگیری از وقوع جنگ است؛ اما بازدارندگی میان‌جنگی در پی مدیریت جنگ، جلوگیری از تشدید بحران، ممانعت از ورود بازیگران جدید و حفظ خطوط قرمز راهبردی است. به لحاظ دامنه، بازدارندگی کلاسیک عمدتاً بر حوزه نظامی متمرکز است؛ در حالی که بازدارندگی میان‌جنگی از راهبردهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، اقتصادی، سایبری و شناختی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌گیرد و تا پایان جنگ ادامه می‌یابد (Center for Global Security Research, 2024: 18-20). از نظر زمان‌بندی نیز بازدارندگی کلاسیک پیش

از آغاز درگیری عمل می‌کند؛ اما بازدارندگی میان‌جنگی فرآیندی مستمر است که حتی پس از وقوع جنگ نیز شکست‌خورده تلقی نمی‌شود و در تمام مراحل منازعه جاری است.

٤ـ راهبرد بازدارندگی آمریکا و ناتو در قبال روسیه قبل از جنگ ۲۰۲۲ (بازدارندگی پیشاجنگی)

اگر بازدارندگی را «اقدامی که به‌منظور منصرف کردن بازیگران از دنبال کردن کنش‌های معین صورت می‌گیرد»، تعریف کنیم (Freedman, 2004: 26; Morgan, 2003: 1)، ایالات‌متحده و ناتو پس از درگیری‌های سال ۲۰۱۴ و در پی تصرف کریمه و بخش‌هایی از دونباس توسط روسیه، برای جلوگیری از تجاوز بیشتر این کشور به اوکراین، دستکم سه اقدام عمده انجام دادند: نخست، ایجاد ابتکار اطمینان‌بخشی اروپا[1] (که بعدها به ابتکار بازدارندگی اروپا[2] تغییر نام یافت)؛ دوم، اعطای کمک به نیروهای امنیتی اوکراین از طریق بسته جامع کمک[3] (CAP) و ارتقای جایگاه آن کشور به شریک فرصت‌های پیشرفته[4]؛ و سوم، مجموعه هشدارها و تهدیدهای صریح علیه کرملین توسط مقامات عالی‌رتبه آمریکا و ناتو که هم‌زمان با تشدید بحران اوکراین، اتفاق افتاد (Echevarria II, 2024).

در راستای نخستین اقدام، باراک اوباما در سال ۲۰۱۴ ابتکار اطمینان بخشی اروپایی (ERI) را با بودجه‌ای یک میلیارد دلاری بنیان نهاد. در سال ۲۰۱۸، این طرح با تغییر نام به «ابتکار بازدارندگی اروپایی» (EDI)، هدفی روشن‌تر یافت و بودجه تخصیص یافته آمریکا به حدود ۲۹/۷ میلیارد دلار افزایش یافت (Congressional Research Service, 2021). شایان ذکر است که در چارچوب همین ابتکار، ناتو آموزش بیش از ۱۰ هزار پرسنل نظامی را بر عهده گرفت و میانگین هزینه‌های سالانه اوکراین نیز به کمی بیش از ۱۰ میلیارد دلار- رقمی قابل قیاس با هزینه‌های لهستان- رسید (Echevarria II, 2024).

دومین اقدام، در قالب «بسته جامع کمک» و برنامه «شریک فرصت‌های بهبودیافته»، به سیاست افزایش قابلیت‌های دفاعی اوکراین از طریق دو برنامه مشارکت با ناتو انجامید. در تابستان ۲۰۱۶،

[1] European Reassurance Initiative
[2] European Deterrence Initiative
[3] Comprehensive Assistance Package
[4] Enhanced Opportunities Partner

ناتو نخستین بسته جامع کمک را برای اوکراین به اجرا درآورد تا تاب‌آوری، امنیت داخلی و اصلاحات بنیادین این کشور را تقویت کند. سپس در سال ۲۰۲۰، اوکراین در چارچوب ابتکار مشارکتی ناتو، وضعیت «شریک فرصت‌های بهبودیافته» را دریافت کرد؛ برنامه‌ای که برای تعمیق همکاری با متحدان و شرکای دارای سهم چشمگیر در مأموریت‌های تحت رهبری ناتو طراحی شده بود (Nato, 2020). در همین چارچوب، نیروی هوایی اوکراین در کنار نیروهای ناتو در کوزوو و سایر مناطق به مأموریت پرداخت- موقعیتی که در آن زمان تنها به پنج کشور غیرعضو ناتو اعطا می‌شد (Echevarria II, 2024).

در سومین اقدام، مجموعه‌ای از تهدیدها و هشدارهای علنی از سوی رهبران و مقامات ارشد ناتو و دولت بایدن، در ماه‌های پیش از حمله روسیه، بکار گرفته شد. به‌عنوان مثال ینس استولتنبرگ، دبیرکل پیشین ناتو، در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۱ و در پیش نشست وزرای خارجه این پیمان، به‌صراحت کرملین را از هزینه‌ها و پیامدهای تهاجم به اوکراین برحذر داشت (Echevarria II, 2024). علاوه بر این، در بازه زمانی ۷ دسامبر ۲۰۲۱ تا ۱۲ فوریه ۲۰۲۲، جو بایدن طی سه تماس تلفنی مستقیم با ولادیمیر پوتین، از اتخاذ تحریم‌های شدید در صورت اقدام نظامی مسکو علیه کیف خبر داد (The White House, 2021, December 7). آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، نیز مکرراً تصریح کرد که هدف از تحریم‌های برنامه‌ریزی‌شده، «بازدارندگی روسیه از رفتن به جنگ» است (Blinken, 2022, February 20). اندکی پس از آن، دستگاه‌های اطلاعاتی ناتو با افشای اطلاعاتی درباره اهداف نظامی روسیه، گونه‌ای دیگر از هشدار را به نمایش گذاشتند. در اوج این فشار دیپلماتیک، ویلیام جی. برنز، رئیس سیا، برای ابلاغ پیام شخصی بایدن به مسکو پرواز کرد و عملاً خطاب به کرملین گفت :«ما می‌دانیم که شما چه می‌کنید و اگر حمله کنید، عواقب شدیدی در پی خواهد داشت» (CNN, 2021, November 8; Echevarria II, 2024: 3).

با وجود طراحی بسته‌های جامع حمایتی ناتو و اقدامات امنیتی- دفاعی غرب برای تقویت بازدارندگی اوکراین، این تدابیر نتوانستند مانع از تجاوز قریب‌الوقوع روسیه شوند. بتینا رنز[1] (۲۰۲۳) یکی از دلایل این ناکامی را فقدان راهبردی مشخص و هدفمند از سوی غرب در فاصله ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ می‌داند. به‌گفته او، فرض غالب بر این بود که «بازدارندگی عمومی[2]» برای جلوگیری از اقدام نظامی

[1] Bettina Renz
[2] General Deterrence

مسکو کفایت می‌کند، اما در عمل، این نوع بازدارندگی- برخلاف بازدارندگی فوری[1]- نتوانست در سناریوی مشخص حمله به اوکراین، بر محاسبات راهبردی کرملین اثر بگذارد. هیچ‌یک از اقدامات غرب- از تحریم‌های اقتصادی و تهدید به هزینه‌های بیشتر تا تقویت جناح شرقی ناتو- نتوانست این باور را در رهبران روسیه ایجاد کند که هزینه‌های حمله از منافع احتمالی آن فراتر خواهد رفت (Renz, 2023: 6-19).

پس از شکست این رویکرد و ناتوانی آمریکا و متحدانش در جلوگیری از آغاز جنگ، اولویت راهبردی غرب از بازدارندگی پیش‌جنگ به بازدارندگی حین جنگ تغییر یافت. در این چارچوب جدید، دو هدف اساسی دنبال شد: نخست، جلوگیری از تشدید عمودی[2]- یعنی ممانعت از توسل روسیه به سلاح‌های هسته‌ای یا کشتار جمعی- و دوم، جلوگیری از تشدید افقی[3]- یعنی جلوگیری از گسترش جنگ به خارج از اوکراین و حمله به دیگر همسایگان، به‌ویژه اعضای ناتو (Frederick et al., 2023; Echevarria II, 2019).

۵ـ تجاوز روسیه به اوکراین (۲۰۲۲) و اتخاذ راهبرد «بازدارندگی میان جنگی» آمریکا

بررسی‌ها حاکی از آن است که از حدود سال ۲۰۱۳، رؤسای جمهور و نهادهای امنیتی ایالات‌متحده، احتمال شکست بازدارندگی را به‌عنوان یکی از سناریوهای محتمل در محیط امنیتی آینده مدنظر قرار داده و مطالعه درباره چگونگی مدیریت شرایط پس از چنین شکستی را در دستور کار خود داشته‌اند (Soofer & Costlow, 2022). این نگرانی به‌ویژه پس از الحاق کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ تشدید شد. تصرف کریمه این واقعیت را آشکار ساخت که حتی در مواجهه با یک قدرت هسته‌ای، بازدارندگی ممکن است ناکام بماند و ایالات‌متحده در یک بحران راهبردی نتواند از توسل طرف مقابل به‌زور جلوگیری کند.

[1] Immediate Deterrence
[2] Vertical Escalation
[3] Horizontal Escalation

در ادامه، کمیسیون دوحزبی راهبرد دفاع ملی[1] در گزارش سال ۲۰۱۸[2] خود به این جمع‌بندی رسید که ایالات‌متحده نیازمند درکی عمیق‌تر از مفهوم عملیاتی بازدارندگی و پویایی‌های شکست آن است (National Defense Strategy Commission, 2018). درواقع، ظهور سلاح‌های هسته‌ای که تأثیری ژرف بر اندیشه بازدارندگی در آمریکا گذاشت، عامل مهمی بود که سبب شد بخش بزرگی از ادبیات دانشگاهی و غیردانشگاهی، بازدارندگی میان‌جنگی را بیش از هر چیز با بازدارندگی مبتنی بر تشدید هسته‌ای پیوند دهند و ازاین‌رو، به سایر ابعاد چشم‌انداز تشدید توجهی نشود (Roberts, 2025:16).

برخی گزارش‌ها، از جمله گزارش منتشرشده کالج جنگ ارتش آمریکا[3] در سال ۲۰۰۹، بازدارندگی میان‌جنگی را به‌عنوان تلاشی برای کنترل تشدید نظامی قابل‌توجه در جریان یک جنگ تعریف کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از طریق تهدید به تلافی‌جویی گسترده و معمولاً هسته‌ای، در صورت عبور دشمن از آستانه‌های تشدید مشخص، امکان بازدارندگی فراهم شود (Terrill, 2009:11). به‌گفته براد رابرتس، اگرچه بخش مهمی از تفکر و برنامه‌ریزی برای بازدارندگی میان‌جنگی در حوزه محرمانه باقی مانده است، اما بخش قابل‌توجهی از گزارش‌های منتشرشده در این حوزه– از جمله گزارش وزارت دفاع به کنگره با عنوان «درباره راهبرد به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای[4]» (معروف به گزارش ۴۹۱)، گزارش ویکتور آ. اوتگاف و مایکل او. ویلر[5] برای مؤسسه تحلیل‌های دفاعی[6] با عنوان «درباره بازدارندگی و خنثی‌سازی اقدامات برای بهره‌برداری از نظریه پیروزی هسته‌ای[7]» (۲۰۱۳) و نیز پژوهش‌های مهم دیگری همچون (Warden, 2018; Colby, 2016; Williams et al., 2024; Roberts, 2021:7, 10; Costlow, 2024). همگی همچنان بر بازدارندگی عمومی تأکید داشته‌اند و کمتر به نحوه مدیریت شرایط پس از شکست بازدارندگی پرداخته‌اند (Roberts, 2025:16-20).

[1] National Defense Strategy Commission
[2] Providing for the Common Defense: The Assessment and Recommendations of the National Defense Strategy Commission
[3] US Army War College
[4] Report on the Nuclear Employment Strategy of the United States (also known Reas The 491 Report)
[5] Victor A. Utgoff and Michael O. Wheeler
[6] National Defense Strategy
[7] Deterring and Defeating Attempts to Exploit a Nuclear Theory of Victory

پس از حمله روسیه به اوکراین، مسأله تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ و همچنین گسترش تهدیدهای ترکیبی، این جمع‌بندی در واشنگتن شکل گرفت که الگوهای سنتی بازدارندگی دیگر پاسخگوی محیط امنیتی جدید نیستند. در نتیجه، در راهبرد ۲۰۲۲ دفاع ملی ایالات‌متحده[1]، مفهوم «بازدارندگی یکپارچه[2]» به‌عنوان محور اصلی سیاست دفاعی آمریکا معرفی و عملیاتی شد.

«بازدارندگی یکپارچه»، به مجموعه‌ای هماهنگ از قابلیت‌ها و ابزارهای قدرت ملی اشاره دارد که هدف آن متقاعد ساختن دشمنان بالقوه به این امر است که هزینه‌های اقدامات خصمانه آن‌ها به‌مراتب بیش از منافع مورد انتظارشان خواهد بود (Austin, 2023: 36). این مفهوم با سه اصل اساسی متمایز می‌شود: نخست، یکپارچه‌سازی در حوزه‌ها؛ دوم، یکپارچه‌سازی ابزارهای قدرت ملی؛ و سوم، یکپارچه‌سازی با متحدان و شرکا (Defense, 2022).

نخست، یکپارچه‌سازی در حوزه‌ها نشان‌دهنده این درک است که جنگ‌آوری در قرن بیست و یکم در خشکی، دریا، هوا، فضا و فضای سایبری جریان دارد. بازدارندگی مدرن باید تهدیداتی مانند حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی یا عملیات ضد ماهواره‌ای را در نظر بگیرد که می‌توانند به اندازه تجاوز نظامی متعارف بی‌ثبات کننده باشند (Mazarr and Ke, 2024: 20).

دوم، بازدارندگی یکپارچه جعبه ابزار را فراتر از ابزارهای نظامی گسترش می‌دهد. تحریم‌های اقتصادی، انکار فناوری، فشار دیپلماتیک و عملیات اطلاعاتی همگی نقش‌های مهمی در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری دشمن ایفا می‌کنند (Mazarr and Ke, 2024: 20).

سوم، تأکید بر متحدان و شرکا: استراتژی دفاع ملی تأکید می‌کند که اعتبار بازدارندگی زمانی تقویت می‌شود که توسط ائتلافی از دولت‌های هم‌عقیده پشتیبانی شود. این رویکرد چندجانبه نه‌تنها با پیچیده‌تر کردن محاسبات دشمن، بازدارندگی را تقویت می‌کند، بلکه مشروعیت اقدامات ایالات‌متحده را در صحنه جهانی تقویت می‌کند (Meiser, 2017).

در کنار این، «بازدارندگی میان‌جنگی» نیز در راهبرد آمریکا مطرح شد، به بخشی از پیوستار منازعه می‌پردازد که پس از شکست اولیه بازدارندگی آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که جنگ آغاز شده است، اما هنوز امکان کنترل دامنه، شدت و پیامدهای آن وجود دارد. این دوره از شروع جنگ

[1] National Defense Strategy
[2] Integrated Deterrence

تا پیش از مرحله‌ای ادامه می‌یابد که بازدارندگی به‌طور کامل فروبپاشد و منازعه به سطحی غیرقابل‌کنترل، از جمله تبادل گسترده هسته‌ای، برسد (Roberts, 2025: 11).

در این چارچوب، ایالات‌متحده سه هدف راهبردی را برای بازدارندگی میان‌جنگی تعریف کرد: جلوگیری از تشدید افقی و عمودی جنگ؛ ایجاد انگیزه برای کاهش تنش و مهار روند تشدید؛ فراهم ساختن شرایط لازم برای پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلحی پایدار (Roberts, 2025:11-12). در کنار این اهداف راهبردی، اهداف عملیاتی نیز دنبال می‌شود؛ از جمله دفاع از منافع حیاتی، حفاظت از متحدان، محدود کردن خسارات و جلوگیری از گسترش دامنه درگیری. بازدارندگی یکپارچه و میان جنگی در پی آن هستند که ادامه جنگ را نه فقط از طریق نظامی، بلکه با استفاده هم‌زمان و مکمل ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، اطلاعاتی، فناوری و سایبری بازدارند.

۵ـ۱ـ ابزارهای اعمال بازدارندگی میان جنگی آمریکا و ناتو علیه روسیه

۵ـ۱ـ۱ـ ابزار نظامی

با تداوم جنگ اوکراین، راهبرد بازدارندگی میان‌جنگی ایالات‌متحده و اعضای ناتو در قبال روسیه به‌تدریج آشکار شد. در مرحله نخست، آمریکا و متحدانش راهبردی را در پیش گرفتند که از یک سو با ارسال مستمر تسلیحات و ارائه کمک‌های امنیتی، تعهد خود را به حمایت از اوکراین نشان می‌داد و از سوی دیگر، با پرهیز از مداخله مستقیم نظامی، تلاش می‌کرد خطر رویارویی مستقیم میان ناتو و روسیه را به حداقل برساند.

اگرچه هدف آشکار ارسال تسلیحات، افزایش توان دفاعی اوکراین و کمک به این کشور برای مقاومت در برابر تجاوز روسیه بود، اما برخی از پژوهشگران، از جمله امیر لوپوچی، معتقدند که این سیاست یک منطق بازدارندگی نیز داشت و آن اینکه تداوم حمایت نظامی غرب این پیام را به روسیه منتقل می‌کرد که با استمرار کمک‌های تسلیحاتی و مالی، مسکو قادر نخواهد بود به اهداف راهبردی خود دست یابد؛ ازاین‌رو، ادامه یا تشدید جنگ، هزینه‌های بیشتری را بر روسیه تحمیل خواهد کرد، بدون آنکه دستاورد متناسبی برای آن به همراه داشته باشد (Lupovici,2023: 628).

در ارسال سلاح دولت آمریکا در ابتدا عنوان کرد که «به دنبال جنگ با روسیه نیست»، «تا زمانی که به متحدان ما حمله نشود، مستقیماً وارد جنگ نمی‌شویم». «به دنبال برکناری پوتین نیستیم»، «استفاده از سلاح هسته‌ای در هر مقیاسی عواقب شدید در پی خواهد داشت»، اما بعد گام‌های

کوچک و تدریجی برداشت. در سال نخست جنگ، با وجود حملات گسترده روسیه به زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین و درخواست‌های مکرر ولادیمیر زلنسکی، دولت جو بایدن ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین را رد کرد. دلیل اصلی این تصمیم، نگرانی از احتمال درگیری مستقیم میان نیروهای هوایی ناتو و روسیه و در نتیجه افزایش خطر تشدید جنگ، به‌ویژه در سطح هسته‌ای، بود (Stein, 2023: 43).

در ادامه، موشک‌های ضد زره جاولین[1]، موشک‌های ضد هوایی استینگر[2]، سامانه‌های راکت‌انداز، سامانه‌های موشکی چندگانه هیمارس[3] (با برد محدود) و تجهیزات پدافند هوایی، بعد پاتریوت، برادلی[4]، تانک‌های آبرامز، لئوپارد و سپس موشک‌های هواپرتاب استروم شادو[5] که به کریمه می‌رسید را در اختیار اوکراین قرار داد. در نهایت آموزش خلبانان اوکراینی برای اف-۱۶ را در پیش گرفت (Stein, 2023: 42-43). این روش که فریدمن، آن را همچون «قورباغه‌ای که به آرامی می‌جوشد[6]»، یا «برش سوسیس[7]» بود، منجر به هیچ تشدید افقی از جمله حمله به ناتو و هیچ تشدید عمودی، استفاده از سلاح شیمیایی یا هسته‌ای نشد. درواقع، آمریکا توانست حمایت خود را طرز چشم‌گیری گسترش دهد بدون آنکه خط قرمز روسیه را فعال کند (Fredman, 2023b).

برآوردها نشان می‌دهد که از آغاز جنگ تا پایان ماه مه ۲۰۲۳، درمجموع حدود ۷۴/۸ میلیارد یورو کمک نظامی از سوی کشورهای غربی در اختیار اوکراین قرار گرفته است (Lupovici, 2023: 629). افزون بر ارسال تجهیزات، ایالات‌متحده، بریتانیا، آلمان و سایر کشورهای عضو ناتو مسئولیت آموزش نیروهای نظامی اوکراین را نیز بر عهده گرفتند (Mills, 2023: 22-23). مقامات ارشد دولت آمریکا نیز بارها این کمک‌ها را در چارچوب راهبرد بازدارندگی تبیین کرده‌اند. برای نمونه، جیک سالیوان تأکید کرد که تقویت توان نظامی اوکراین، راهی برای تبدیل حمله روسیه به یک شکست راهبردی برای ولادیمیر پوتین است. همچنین لوید آستین هدف اصلی کمک‌های نظامی آمریکا را بازدارندگی روسیه از تشدید بیشتر جنگ عنوان کرد (Lupovici, 2023: 629).

---

[1] Javelin
[2] Stinger
[3] HIMARS
[4] Bradley
[5] Storm Shadow
[6] Salami Slicing
[7] Boiled Frogs

مدیریت حساب‌شده تشدید تنش[1] که دولت بایدن در جنگ اوکراین دنبال کرد را می‌توان مصداق بارزی از اجرای راهبرد بازدارندگی میان‌جنگی دانست (Stein, 2023: 45)؛ راهبردی که هدف آن نه جلوگیری از آغاز جنگ، بلکه کنترل روند تشدید، محدود ساختن دامنه درگیری، جلوگیری از رویارویی مستقیم میان ناتو و روسیه و حفظ جنگ در سطحی قابل مدیریت بود. این سیاست با بازگشت مجدد ترامپ به جایگاه ریاست جمهوری (۲۰۲۵) دستخوش تغییراتی شد. وی که با شعار انتخاباتی پایان دادن به جنگ‌ها، توانسته بود به پیروزی برسد، هرگونه بازدارندگی و حمایت مستمر از اوکراین را در ابتدا کنار گذاشت. ترامپ که به جای بازدارندگی روسیه، به دنبال معامله‌گری بود، اعلام کرد که به اوکراین سلاح نمی‌فروشد و اروپا و ناتو بایستی تأمین هزینه جنگ را به عهده گیرند (Taghon & Bossuyt, 2025:1-8). بنا به اطلاعات موسسه معتبر کییل برای اقتصاد جهانی[2]، در سال اول دوره دوم ترامپ کمک نظامی آمریکا به اوکراین کاهش ۹۹ درصدی داشته است. همچنین در دوره دوم ریاست جمهوری وی هیچ بسته کمک جدیدی را برای اوکراین از طریق «نظام کمک‌های دفاعی ریاست جمهوری (PDA)[3]» تصویب نکرد و به جای آن مدل جدیدی را معرفی کرد مبنی بر اینکه متحدان ناتو بایستی هزینه خرید تسلیحات آمریکا برای اوکراین را تقبل کنند (Trebesch & Nishikawa, 2026: 1)؛ بنابراین با سیاست معامله‌گری ترامپ به جای سیاست مدیریت تشدید بایدن، به نظر می‌رسد که در دو سال اول ترامپ بازدارندگی میان جنگی، جایگاهی در سیاست و استراتژی وی نداشته است.

۵ـ۱ـ۲ـ ابزار اقتصادی

گرچه بازدارندگی بیشتر در حوزه نظامی شناخته می‌شود، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که آمریکا از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان سلاح و در راستای «بازدارندگی اقتصادی[4]» از طریق تنبیه و یا مجازات، استفاده کرده است (Zarean and et al., 2025: 70). بعد از حمله روسیه به اوکراین، ایالات‌متحده با هماهنگی نزدیک با متحدان خود، به‌ویژه کشورهای عضو ناتو و اتحادیه اروپا، یکی از گسترده‌ترین رژیم‌های تحریمی تاریخ معاصر را علیه روسیه اعمال کرد. این تحریم‌ها طیف وسیعی از بخش‌های راهبردی اقتصاد روسیه، از جمله بانک مرکزی، صندوق ثروت ملی، نظام

[1] Managed Escalation
[2] Kiel Institute for the World Economy
[3] Presidential Defense Assistance (PDA) system
[4] Economic Deterence

بانکی، بخش انرژی، صنایع دفاعی و سایر صنایع کلیدی این کشور را هدف قرار داد. در همین راستا، دسترسی بسیاری از بانک‌های روسی به شبکه بین‌المللی پرداخت سوئیفت محدود یا قطع شد و بخش قابل توجهی از ذخایر ارزی و طلای بانک مرکزی روسیه که ارزش آن حدود ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد و در خارج از این کشور نگهداری می‌شد، مسدود گردید (CRS Report, 2024). علاوه بر این، هزاران شخص حقیقی و حقوقی، از پوتین گرفته تا بسیاری از مقامات بلندپایه دیگر، اعضای مجلس دوما، الیگارش‌ها و شرکت‌های بزرگ روسی، در فهرست تحریم‌های آمریکا و متحدان آن قرار گرفتند (Babaei et al., 2025: 200-201).

همچنین، دارایی‌ها و سرمایه‌های روسیه در کشورهای غربی توقیف یا مسدود شد و در برخی موارد، سازوکارهای حقوقی برای استفاده از درآمد حاصل از این دارایی‌های مسدود شده به‌منظور جبران خسارات واردشده به اوکراین مورد تصویب یا بررسی قرار گرفت. با این حال، هدف این اقدامات صرفاً تنبیه روسیه یا وارد کردن خسارت اقتصادی به این کشور نبود، بلکه در چارچوب راهبرد بازدارندگی تلاش می‌شد محاسبات هزینه- فایده رهبران کرملین تغییر یابد (Renz, 2023).

از این منظر، گفته می‌شود که تحریم‌های اقتصادی نه صرفاً یک ابزار تنبیهی، بلکه ابزاری برای بازدارندگی از طریق مجازات محسوب می‌شدند که هدف اصلی آن، تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری راهبردی روسیه و واداشتن این کشور به تجدیدنظر در رفتار خود در جریان جنگ بود (Masitoh et al., 2025). ترامپ نیز گرچه در ابتدا با پوتین تماس گرفت و سیاست تنش‌زدایی را در پیش گرفت، اما در اکتبر ۲۰۲۵ برای نخستین بار تحریم‌های مستقیمی را علیه روسیه از جمله علیه روس نفت[1] و لوک اویل[2] اعمال کرد (Reuters, 2025, October 22). در سال ۲۰۲۶ نیز سیاست تحریم روسیه ادامه یافت گرچه در میانه جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، با بسته شدن تنگه هرمز برخی از تحریم‌های نفتی روسیه را لغو کرد، ولی به‌طور کلی استفاده از ابزار اقتصادی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی بازدارندگی میان‌جنگی به شمار می‌رود؛ زیرا به جای جلوگیری از آغاز جنگ، بر محدود کردن تداوم و تشدید آن از طریق افزایش مستمر هزینه‌های دشمن تمرکز دارد.

[1] Rousneft
[2] Lukoil

۵ـ۱ـ۳ـ ابزار سایبری

هم‌زمان با تشدید عملیات سایبری روسیه علیه اوکراین، ایالات‌متحده، ناتو و اتحادیه اروپا با هدف تقویت تاب‌آوری سایبری اوکراین، همکاری‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های فنی، اطلاعاتی و عملیاتی آغاز کردند. از فوریه ۲۰۲۲، فرماندهی سایبری ایالات‌متحده[1] با تیم‌های پاسخ به واکنش به حوادث امنیت رایانه‌ای اوکراین برای مقابله با تهدیدات سایبری همکاری کرد. همچنین، جو بایدن در مارس ۲۰۲۲ از شرکت‌های آمریکایی خواست با توجه به افزایش توان سایبری روسیه، آمادگی دفاع سایبری خود را ارتقا دهند. در ادامه، آژانس امنیت سایبری و زیرساخت ایالات‌متحده[2](CISA) و سرویس ویژه ارتباطات و حفاظت اطلاعات اوکراین[3] (SSSCIP) با امضای یک یادداشت تفاهم، به تبادل اطلاعات در زمینه بهترین رویه‌های مدیریت حوادث سایبری پرداختند (Kaushik, 2023). در سطح ائتلافی نیز، در مه ۲۰۲۵، یازده کشور عضو ناتو و بیست‌ویک سازمان اطلاعاتی از کشورهای مختلف غربی، با انتشار هشدار مشترکی، حملات و عملیات جاسوسی سایبری روسیه را رسماً به روسیه منتسب کردند. در کنار این، ناتو و اتحادیه اروپا نیز نقش مهمی در ارتقای ظرفیت‌های سایبری اوکراین ایفا کردند. در «مرکز تعالی دفاع سایبری تعاونی ناتو[4]» در سال ۲۰۲۳ و در نشست ویلنیوس[5]، بر حمایت بلندمدت این ائتلاف از امنیت سایبری اوکراین تأکید شد (Kapsokoli, 2025: 86).

در کنار دولت‌ها، شرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل، مایکروسافت، سیسکو[6]، اپل، اچ‌پی[7] و کلودفلر[8]، نیز با انتقال داده‌ها و خدمات دولتی اوکراین به زیرساخت‌های ابری، ارائه تجهیزات و خدمات امنیت سایبری و ارتقای سخت‌افزار و نرم‌افزارهای مورد نیاز، نقش مهمی در حفظ تداوم عملکرد دولت اوکراین ایفا کردند (Mitchell, 2022). علاوه بر این، دولت اوکراین با همکاری شرکت‌هایی مانند متا، ایکس (توییتر سابق) و تیک‌تاک، اقدام به بایگانی محتوای مرتبط با جنایات احتمالی جنگی کرد؛ اقدامی که بیانگر گسترش نقش شرکت‌های فناوری در مستندسازی جنگ و

[1] U.S. Cyber Command
[2] US Cybersecurity and Infrastructure Security Agency
[3] Ukrainian Computer Security Incident Response Teams (CSIRTS)
[4] Natos Cooperation Cyber Defence Center of Excellence (CCDCOE)
[5] Vilnius
[6] Cisco
[7] HP
[8] Cloudflare

حمایت از پاسخ‌گویی حقوقی بود (Simonite, 2022). در مجموع، جنگ اوکراین نشان داد که مشارکت غرب در حمایت از اوکراین، فراتر از ائتلاف‌های سنتی نظامی، بر شبکه‌ای از همکاری‌های سایبری، اطلاعاتی، فناورانه و مشارکت بخش خصوصی استوار بوده است؛ همکاری‌هایی که افزایش تاب‌آوری راهبردی اوکراین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی مدرن را به نمایش گذاشت.

۵ـ۱ـ٤ـ ابزار اطلاعاتی و دیپلماتیک

در عرصه اطلاعاتی و دیپلماتیک، ایالات‌متحده و متحدانش مؤلفه محوری بازدارندگی میان‌جنگی را از طریق جنگ اطلاعاتی مدیریت ادراکات، جنگ شناختی و دیپلماسی ائتلافی به اجرا گذاشتند. پیش از تهاجم روسیه، دولت آمریکا به‌گونه‌ای بی‌سابقه، بخش قابل‌توجهی از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده درباره آمادگی‌های نظامی و برنامه احتمالی حمله را به‌طور عمومی افشا کرد. این اقدام در پی سلب عنصر غافلگیری از روسیه، افزایش آمادگی اوکراین و متحدان و دشوارسازی توجیه سیاسی- حقوقی تهاجم برای کرملین بود (Rabel, 2025).

هم‌زمان، جو بایدن جنگ را در قالبی راهبردی- تقابل دموکراسی و اقتدارگرایی- صورت‌بندی کرد (Rabel, 2025). این چارچوب روایی، افزون بر تقویت افکار عمومی داخلی، انسجام سیاسی میان اعضای ناتو و دیگر شرکا را افزایش داد و هماهنگی آنان را در تحریم‌ها و حمایت از اوکراین تسهیل کرد (Masitoh, et al., 2025: 1039). در طول جنگ نیز، ایالات‌متحده با ارائه اطلاعات ماهواره‌ای، شناسایی و هشدارهای عملیاتی، به‌طور چشمگیر آگاهی موقعیتی نیروهای اوکراینی را بالا برد؛ امری که افزون بر افزایش اثربخشی دفاعی، به کاهش محاسبات نادرست و جلوگیری از تشدید کنترل نشده درگیری انجامید (Sonke, 2024).

همچنین، آمریکا از طریق سازمان‌دهی مکانیسم‌هایی نظیر «گروه تماس دفاعی اوکراین»[1] و «نشست‌های رامشتاین»[2]- که بیش از ۵۰ کشور را برای همگام‌سازی کمک‌رسانی گرد هم آورد- و نیز همکاری نزدیک با شرکای غیرعضو ناتو چون ژاپن، استرالیا و کره جنوبی، ائتلافی واقعاً جهانی را به نمایش گذاشت. بازدارندگی یکپارچه در این چارچوب، بر بهره‌گیری از شبکه‌ای توزیع‌شده از متحدان در سراسر مناطق برای اعمال فشار بر دشمن مشترک مبتنی بود (Posaner, 2025).

[1] Ukraine Defense Contact Group
[2] Ramstein meetings

در واکنش به عملیات اطلاعاتی، سایبری و خرابکارانه روسیه، آمریکا و اروپا با افزایش اشتراک اطلاعات میان سازمان‌های اطلاعاتی، نظامی و نهادهای اجرای قانون، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ را سامان دادند. در فوریه ۲۰۲۳، ناتو «سلول هماهنگی زیرساخت‌های زیردریایی[1]» را برای ارزیابی آسیب‌پذیری‌ها و هماهنگی دولت‌های عضو و بخش خصوصی در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی دریایی ایجاد کرد (Jones, 2025). هم‌زمان، غرب با تقویت تاب‌آوری زیرساخت‌ها، احتمال موفقیت عملیات خرابکارانه روسیه را کاهش داد. در جبهه دیپلماتیک، اقداماتی چون تعطیلی کنسولگری روسیه در پوزنان، اخراج گسترده دیپلمات‌ها و مأموران اطلاعاتی از کشورهای اروپایی و محدودیت صدور روادید برای مظنونان، هزینه‌های سیاسی و اطلاعاتی را بر مسکو افزود؛ بر پایه گزارش‌ها، از فوریه ۲۰۲۲ تا اکتبر ۲۰۲۳، بیش از ۷۵۰ دیپلمات و مأمور روس از اروپا اخراج یا محدود شدند (Jones, 2025). درمجموع، هرچند بازدارندگی آمریکا نتوانست از آغاز تهاجم روسیه جلوگیری کند، اما در ادامه جنگ با ابزارهای یادشده، محیط راهبردی را به‌گونه‌ای شکل داد که روسیه را از پیروزی سریع و قاطع بازداشت، حاکمیت و بقای اوکراین را حفظ کرد و انسجام و حتی گسترش جغرافیایی ناتو را تقویت نمود (Masitoh et al., 2025).

٦ـ بازدارندگی در اندیشه راهبردی روسیه

بازدارندگی، به‌عنوان یک نظریه و یک رویه در سیاست امنیت ملی، در اندیشه راهبردی روسیه نسبت به همتای غربی خود سابقه کوتاه‌تری دارد (Trenin et al., 2024; Bruusgaard, 2019). اگرچه مفهوم بازدارندگی در غرب از دهه ۱۹۴۰ به‌طور گسترده توسعه یافت، اما این مفهوم به‌تدریج و عمدتاً از دهه ۱۹۹۰ به بعد وارد ادبیات نظامی و راهبردی روسیه شد. طی این فرایند، جامعه علمی و نظامی روسیه بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات رایج در ادبیات غربی را اقتباس کرد، اما آن‌ها را بر اساس مبانی فکری و امنیتی خود بازتعریف نمود (Adamsky, 2023). از این‌رو، هرچند روسیه از واژگان مشابه غرب استفاده می‌کند، اما برداشت و کارکرد این مفاهیم در اندیشه راهبردی روسیه تفاوت‌های قابل توجهی با برداشت‌های رایج در غرب دارد.

در دوران جنگ سرد، نظریه بازدارندگی در اتحاد جماهیر شوروی عمدتاً بر بازدارندگی هسته‌ای راهبردی استوار بود. این رویکرد بر منطق نابودی متقابل تضمین‌شده تکیه داشت و فرض

[1] Undersea Infrastructure Coordination Cell

اساسی آن این بود که هرگونه جنگ هسته‌ای میان دو ابرقدرت به نابودی هر دو طرف خواهد انجامید (Adamsky, 2023: 23).

از نظر مفهومی نیز تفاوت مهمی میان برداشت روسیه و غرب از بازدارندگی وجود دارد. در ادبیات انگلیسی، واژه دیترنس[1] بر ایجاد ترس و منصرف ساختن دشمن از اقدام خصمانه از طریق تهدید به تحمیل هزینه استوار است. در مقابل، واژه روسی سدرزیوانی[2] بیشتر به معنای مهار، جلوگیری و بازداشتن از وقوع یک اقدام است (Adamsky, 2023). به همین دلیل، در اندیشه روسیه، بازدارندگی صرفاً ماهیتی دفاعی ندارد، بلکه می‌تواند ماهیتی تهاجمی، پیش‌دستانه و وادارساز[3] نیز پیدا کند. بر همین اساس، بازدارندگی روسیه طیف گسترده‌ای از ابزارهای هسته‌ای، متعارف، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی، دیپلماتیک و روانی را در برمی‌گیرد.

برخلاف رویکرد غربی که میان بازدارندگی از طریق انکار و بازدارندگی از طریق مجازات تمایز روشنی قائل است، اندیشه راهبردی روسیه این دو را اجزای یک راهبرد واحد تلقی می‌کند. از دیدگاه نظریه‌پردازان روس، تقسیم‌بندی میان اقدامات قهری[4] و غیرقهری[5] برای تحلیل بازدارندگی، از تفکیک میان انکار و مجازات سودمندتر است (Adamsky, 2023: 33-35; Kofman, 2020). در نتیجه، بازدارندگی در نگاه روسیه نوعی تعامل میان نمایش قدرت، نمایش اراده، ارعاب و استفاده محدود از زور برای شکل‌دهی به محیط امنیتی و وادار ساختن طرف مقابل به پذیرش خواسته‌های روسیه است. از این منظر، بسیاری از اقداماتی که در ادبیات غربی تحت عنوان اجبار یا بازدارندگی میان‌جنگی طبقه‌بندی می‌شوند، در ادبیات روسیه بخشی از مفهوم کلی بازدارندگی به شمار می‌آیند.

٦ـ١ـ بحران اوکراین ۲۰۲۲ از تدوین راهبرد بازدارندگی روسیه تا ابتکار میان جنگی

بحران اوکراین و تشدید رقابت ژئوپلیتیکی با غرب، این برداشت را در میان بسیاری از نظریه‌پردازان روسی تقویت کرد که بازدارندگی هسته‌ای به‌تنهایی برای تأمین امنیت روسیه در برابر

[1] Deterrence
[2] Sderzhivanie (Сдерживание)
[3] Compellent
[4] Coercive
[5] Non-Coercive

تهدیدهای ژئوپلیتیکی، جنگ‌های ترکیبی و فشارهای چندبعدی غرب کافی نیست. از این‌رو، استراتژی‌ای که پیش از جنگ ۲۰۲۲ و در سال ۲۰۱۵ شکل گرفته بود، پس از آن به‌طور جدی طنین‌انداز شد و به «بازدارندگی راهبردی» معروف گردید. استراتژی امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵، بازدارندگی راهبردی را به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، نظامی، نظامی- فنی، دیپلماتیک، اقتصادی و اطلاعاتی به هم پیوسته با هدف جلوگیری از استفاده از زور علیه روسیه، به‌منظور دفاع از حاکمیت و حفظ تمامیت ارضی تعریف کرده است (Russian National Security Strategy, 2015: 4). فرهنگ واژگان رسمی وزارت دفاع فدراسیون روسیه، بازدارندگی راهبردی را به‌عنوان «سیستمی از اقدامات قهری (نظامی) و غیرقهری (غیرنظامی) که شامل اقدامات سیاسی، دیپلماتیک، اطلاعاتی، حقوقی، اقتصادی، ایدئولوژیک، علمی و فنی و سایر اقدامات است تعریف می‌کند که با هدف مهار طرف دیگر در استفاده از زور علیه فدراسیون روسیه، به‌ویژه در مقیاس راهبردی» طراحی شده است. بر اساس این تعریف، این اقدامات کارکردی دوگانه دارند. در دوران صلح، فراتر از بازدارندگی صرف، به‌مثابه ابزاری برای «مهار» راهبردی دشمنان و در زمان جنگ، به‌عنوان سازوکاری برای مدیریت و کنترل روند تشدید درگیری ایفای نقش می‌کنند (Milijkovic & Marjanivic, 2023: 34).

در ادبیات نظامی روسیه، بازدارندگی راهبردی به‌عنوان «مجموعه‌ای هماهنگ و یکپارچه از اقدامات نظامی و سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، روانی و دیپلماتیک» تعریف می‌شود که هدف آن جلوگیری از گسترش تجاوز علیه روسیه و متحدانش و نیز مدیریت تشدید بحران در تمامی سطوح درگیری است (Trenin et al., 2024).

در نگاه نخست، بازدارندگی راهبردی روسیه شباهت‌هایی با مفهوم «بازدارندگی یکپارچه» در راهبرد دفاع ملی ۲۰۲۲ ایالات‌متحده دارد؛ هر دو بر استفاده هم‌زمان از ابزارهای نظامی و غیرنظامی برای تحقق اهداف بازدارندگی تأکید دارند. بااین‌حال، بررسی دقیق‌تر دست‌کم سه تفاوت بنیادین را آشکار می‌سازد:

نخست، بازدارندگی راهبردی روسیه، مدیریت تشدید و کاهش تنش را در سراسر طیف منازعه، ابزاری برای ایجاد فرصت‌های راهبردی و تغییر محیط امنیتی به سود خود می‌داند؛ حال آنکه

بازدارندگی یکپارچه آمریکا اساساً بر حفظ ثبات، جلوگیری از تشدید بحران و صیانت از نظم موجود تأکید دارد (Fink, 2017: 15-16).

دوم، بازدارندگی یکپارچه آمریکا بر همکاری نزدیک با متحدان، به‌ویژه ناتو و هماهنگی شبکه‌ای از شرکا استوار است (White House, 2022). در مقابل، بازدارندگی راهبردی روسیه بیش از هر چیز بر توان اقدام مستقل و یک‌جانبه تکیه دارد و این کشور می‌کوشد بدون وابستگی به ائتلاف‌های رسمی، زمان، سطح و ابزارهای تشدید یا کاهش بحران را بر اساس محاسبات خود تعیین کند (Fink, 2017: 15-16).

سوم، هرچند هر دو راهبرد از تمامی ابزارهای قدرت ملی بهره می‌گیرند، اما بازدارندگی یکپارچه آمریکا عمدتاً بر حفاظت از منافع حیاتی این کشور متمرکز است؛ در حالی که بازدارندگی راهبردی روسیه رویکردی کمتر تفکیک‌کننده دارد و بر ترکیبی از ابزارهای هسته‌ای، متعارف و غیرنظامی برای مقابله با انواع تهدیدات امنیتی تأکید می‌ورزد. تمایل به تشدید تنش تا حد درگیری مسلحانه، گرایش به اقدامات یک‌جانبه، و به‌کارگیری تمامی سرمایه‌های ملی در سراسر طیف درگیری، چیزی است که بازدارندگی روسیه را به‌طور متمایزی از بازدارندگی یکپارچه آمریکا جدا می‌سازد (Caswell Jr, 2024: 36).

٦ـ١ـ١ـ بازدارندگی هسته‌ای روسیه

یکی از مهم‌ترین ارکان بازدارندگی راهبردی روسیه، بازدارندگی هسته‌ای است. از آغاز جنگ اوکراین، مقامات روسیه بارها با اشاره به عبور احتمالی غرب از «خطوط قرمز» این کشور، امکان استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را مطرح کردند. دیمیتری مدودف بارها درباره احتمال وقوع جنگ هسته‌ای هشدار داد و آن را «آخرالزمان هسته‌ای» توصیف کرد. همچنین سرگئی کاراگانوف نیز در مقالات و سخنرانی‌های خود بر نقش بازدارندگی هسته‌ای و حتی ضرورت آمادگی برای استفاده محدود از سلاح هسته‌ای در شرایط بحرانی تأکید کرد (Fredman, 2023a). در مارس ۲۰۲۳، ولادیمیر پوتین پس از دیدار با شی جین‌پینگ اعلام کرد که روسیه سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را در بلاروس مستقر خواهد کرد. وی تصریح کرد که این اقدام با هدف تقویت بازدارندگی انجام می‌شود تا کسانی که در اندیشه تحمیل «شکست راهبردی» به روسیه هستند، نسبت به پیامدهای اقدامات خود آگاه باشند (Freedman, 2023a). این موضع با مفاد دکترین هسته‌ای روسیه نیز

همخوانی داشت؛ دکترینی که استفاده از سلاح هسته‌ای را در شرایطی که موجودیت دولت روسیه با تهدید جدی مواجه شود، مجاز می‌داند.

بر اساس برآوردهای منتشرشده، از فوریه ۲۰۲۲ تا ژوئن ۲۰۲۳، مقام‌های روسیه بیش از ۶۰ هشدار هسته‌ای و ۱۵ بیانیه رسمی و شدید با هدف بازداشتن غرب از افزایش حمایت نظامی از اوکراین صادر کردند. این هشدارها تأثیر قابل توجهی بر محاسبات امنیتی پایتخت‌های غربی گذاشت و بار دیگر نشان داد که تهدید هسته‌ای همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده محیط امنیت بین‌المللی است (Stein, 2023: 40-42; Von Hlatky and Lambert-Deslandes, 2024: 527-528).

پیام‌های روسیه تنها به سطح گفتار محدود نماند. این کشور در سال ۲۰۲۳ استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی در بلاروس را آغاز کرد و در ادامه، رزمایش‌هایی با مشارکت سامانه‌های دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای، از جمله موشک‌های اسکند[1] و کینژال[2] برگزار کرد. سپس در ژوئن ۲۰۲۴، برای نخستین بار نیروهای بلاروس نیز در رزمایش‌های مشترک مربوط به نیروهای هسته‌ای غیرراهبردی روسیه مشارکت کردند. برخی از پژوهشگران این مواضع را نه صرفاً تهدیدهای لفظی، بلکه بخشی از راهبرد ارعاب و اجبار هسته‌ای روسیه برای تأثیرگذاری بر تصمیمات آمریکا، ناتو و دیگر حامیان اوکراین، همچنین کنترل تشدید تنش ارزیابی کرده‌اند (Alison, 2026: 1781-1783).

در مقابل، ایالات‌متحده و متحدانش نیز کوشیدند بدون ورود به چرخه تشدید هسته‌ای، به این تهدیدها پاسخ دهند. مقامات آمریکایی بارها هشدار دادند که هرگونه استفاده روسیه از سلاح هسته‌ای، پیامدهای بسیار «شدید» و «فاجعه‌بار» برای مسکو به همراه خواهد داشت. افزون بر اظهارات علنی، چنین پیام‌هایی از طریق کانال‌های دیپلماتیک و نظامی و در سطوح عالی نیز به‌طور مستقیم به روسیه منتقل شد. این رویکرد، یکی از مصادیق بازدارندگی میان‌جنگی بود (Alison, 2026: 1778)؛ زیرا هدف آن نه تشدید بحران، بلکه جلوگیری از عبور طرف مقابل از آستانه هسته‌ای از طریق تهدید معتبر، ارتباط مستمر و مدیریت محاسبات راهبردی بود.

٦ـ۱ـ۲ـ ابزار سایبری و اطلاعاتی

فضای سایبری و اطلاعاتی در جنگ اوکراین به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت و درگیری راهبردی تبدیل شده است؛ عرصه‌ای که نه‌تنها بر روند عملیات نظامی، بلکه بر ادراکات، محاسبات

[1] K720 Iskander
[2] Kh-47M2 Kinzhal

راهبردی و فرآیند تصمیم‌گیری بازیگران بین‌المللی تأثیری مستقیم و بنیادین گذاشته است. همان‌طور که مازار از «مؤسسه رند» اشاره می‌کند، «جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه‌وتحلیل آن‌ها و عملیات پنهانی، ابزارهای ضروری برای درک و شکل‌دهی به برداشت‌های دشمن فراهم می‌کند و این برداشت‌ها متغیر غالب در تعیین موفقیت یا شکست بازدارندگی هستند» (Mazarr, 2019: 7).

این حوزه، برای روسیه، نقشی فراتر از یک ابزار تاکتیکی ایفا می‌کند و به‌مثابه یکی از ارکان اصلی بازدارندگی راهبردیِ غیرهسته‌ای مسکو در مقابل غرب، ناتو و اوکراین عمل نموده است. این ابزارها همچنین در اجرای اقدامات مرحله پیش از درگیری و نیز در چارچوب راهبرد بازدارندگی و مدیریت تشدید روسیه، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. فعالیت‌های موجود در حوزه بازدارندگی از طریق کنش اطلاعاتی، در نظریه نظامی روسیه با عناوین «جنگ اطلاعاتی[1]» و «کنترل بازتابی[2]» شناخته می‌شوند (Milijkovic & Marjanivic, 2023: 36).

راهبرد جنگ اطلاعاتی روسیه بر دو مؤلفه اصلی و مکمل استوار است که به‌صورت هم‌زمان برای مدیریت بحران و تأثیرگذاری بر روند تشدید آن به کار گرفته می‌شوند (Hakala and Melnychuk, 2021:7-11; Kapsokoli, 2025: 74). مؤلفه نخست، عملیات اطلاعاتی- روانی[3] است که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ادراکات، نگرش‌ها و رفتار تصمیم‌گیرندگان و جامعه طراحی می‌شود. در این چارچوب، روسیه با قائل نشدن تمایزی میان اقدامات تهاجمی و دفاعی در فضای اطلاعاتی، از اطلاعات به‌عنوان یک سلاح راهبردی برای شکل‌دهی به روایت‌ها، مشروعیت بخشی به سیاست‌های خود و توجیه عملیات نظامی تحت عنوان «دفاع پیش‌دستانه» بهره می‌برد (Adamsky, 2023: 50; Bruusgaard, 2016). مؤلفه دوم، عملیات فنی اطلاعاتی[4] است که از طریق حملات سایبری، نفوذ به شبکه‌ها، ایجاد اختلال در سامانه‌های ارتباطی و تخریب زیرساخت‌های حیاتی دنبال می‌شود (Hakala and Melnychuk, 2021:7-11; Kapsokoli, 2025: 74).

در حوزه سایبری، هم‌زمان با آغاز عملیات نظامی، روسیه حملات گسترده‌ای را علیه سامانه‌های مالی، اداری و ارتباطی اوکراین آغاز کرد و تنها در هفته نخست جنگ، بیش از ۲۴۰ حمله سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی این کشور انجام شد (Jonita, 2023). با طولانی شدن جنگ، دامنه این

[1] Information Warfare
[2] Reflexive Control
[3] Information Warfare
[4] Cyber Operations

عملیات فراتر از اوکراین رفته و کشورهای اروپایی و حتی اهداف مرتبط با آمریکا را دربر گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، تعداد عملیات خرابکارانه و سایبری منتسب به روسیه در اروپا به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و عمدتاً زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مراکز دولتی، تأسیسات حیاتی و شرکت‌های صنایع دفاعی کشورهای حامی اوکراین را هدف قرار داده است (Jones, 2025: 9). از آنجا که یکی از ویژگی‌های کلیدی این عملیات‌ها، قابلیت انکارپذیری بالای آن‌هاست و انتساب قطعی به روسیه را با دشواری مواجه می‌سازد، لذا بسیاری از دولت‌های اروپایی را در نسبت‌دهی رسمی حملات، با احتیاط و نگرانی از تشدید تنش‌ها مواجه کرده است (Jones, 2025: 9-10).

در کنار حملات فنی، روسیه یک اکوسیستم پیچیده از عملیات‌های اطلاعات نادرست[1] را طراحی و اجرا کرده است. کرملین با بهره‌گیری از شبکه‌ای از رسانه‌های تحت کنترل خود (نظیر اسپوتنیک و کانال‌های تلویزیونی دولتی)، گروه‌های هکری همسو و کمپین‌های پیشرفته، به دنبال تضعیف حمایت بین‌المللی از اوکراین، بی‌اعتبار کردن رهبری این کشور و ایجاد شکاف در اتحاد غرب برآمد (Kelley, 2024; Kapsokoli, 2025:78-81). این کمپین‌ها با تولید محتوای دیپ‌فیک[2] و بهره‌گیری از حساب‌های ربات مبتنی بر هوش مصنوعی، سعی کردند تا روایت‌های کلیدی از جمله «نازی‌سازی اوکراین»، «نسل‌کشی روس‌زبانان» و «ناتوانی زلنسکی» را ترویج دهند (Kapsokoli, 2025: 78-81; Li et al., 2023). درمجموع، تجربه جنگ اوکراین نشان می‌دهد که فضای سایبری و اطلاعاتی به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجرای بازدارندگی میان‌جنگی و راهبردی تبدیل شده است. برای روسیه، این عملیات‌ها ابزاری کم‌هزینه، کم‌ریسک و با قابلیت انکارپذیری بالا محسوب می‌شوند که امکان اعمال فشار بر رقبا، پیشبرد اهداف راهبردی و شکل‌دهی به برداشت‌های دشمن را بدون توسل به ابزارهای پرهزینه نظامی یا هسته‌ای فراهم می‌آورند.

٦ـ١ـ٣ـ راهبرد ائتلاف‌سازی و بازدارندگی راهبردی روسیه

در کنار بازدارندگی نظامی، ائتلاف‌سازی و توسعه مشارکت‌های راهبردی یکی از ارکان اصلی بازدارندگی راهبردی روسیه به شمار می‌رود. مسکو بر این باور است که مقابله با فشارهای ایالات‌متحده و متحدانش صرفاً از طریق قدرت نظامی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم ایجاد شبکه‌ای

[1] Disinformation
[2] Deepfake

از شرکای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی است که بتوانند در شکل‌دهی به موازنه قدرت جهانی نقش‌آفرینی کنند. از این منظر، ائتلاف‌سازی نه‌تنها ابزاری برای افزایش قدرت ملی، بلکه بخشی از سازوکار بازدارندگی در برابر فشارها و تهدیدهای غرب تلقی می‌شود (Trenin et al., 2024:14-15).

در چارچوب این راهبرد، روسیه طی سال‌های اخیر تلاش کرده است مشارکت‌های راهبردی خود را با کشورهایی چون چین، بلاروس، ایران و کره شمالی گسترش دهد؛ کشورهایی که در سطوح مختلف، نسبت به نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات‌متحده انتقاد دارند و از شکل‌گیری نظم چندقطبی حمایت می‌کنند. هدف روسیه از توسعه این همکاری‌ها، افزایش ظرفیت مقاومت در برابر تحریم‌ها، گسترش همکاری‌های نظامی و فناورانه، تقویت هماهنگی‌های سیاسی در مجامع بین‌المللی و ایجاد موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو بوده است .در میان این شرکا، چین جایگاهی ویژه دارد (Trenin et al., 2024). علاوه بر این، روسیه کوشیده است دامنه تعاملات راهبردی خود را با سایر قدرت‌های منطقه‌ای، از جمله هند و پاکستان و برخی کشورهای عربی نیز گسترش دهد. اگرچه سطح و ماهیت این روابط با یکدیگر یکسان نیست، اما در مجموع روسیه تلاش می‌کند از طریق گسترش شبکه شرکا، افزایش هماهنگی‌های سیاسی و امنیتی و توسعه همکاری‌های اقتصادی و نظامی، هزینه‌های اعمال فشار از سوی ایالات‌متحده و ناتو را افزایش داده و محاسبات راهبردی رقبای خود را تحت تأثیر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها را در برابر برداشت کلاسیک از نظریه بازدارندگی مطرح ساخته است. در حالی که ادبیات سنتی بازدارندگی، وقوع جنگ را مترادف با شکست بازدارندگی و پایان کارکرد آن تلقی می‌کند، بررسی رفتار راهبردی ایالات‌متحده، ناتو و روسیه نشان می‌دهد که آغاز جنگ نه پایان بازدارندگی، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از آن است. بدین معنا که پس از ناکامی بازدارندگی در جلوگیری از آغاز جنگ، بازدارندگی با اهداف، ابزارها و سازوکارهای متفاوتی به حیات خود ادامه داده و به جای جلوگیری از وقوع جنگ، بر جلوگیری از تشدید کنترل‌ناپذیر آن، محدودسازی دامنه منازعه و مدیریت رفتار راهبردی طرف مقابل متمرکز می‌شود.

بر همین اساس، مقاله حاضر با توسعه و صورت‌بندی نظری مفهوم «بازدارندگی میان‌جنگی»، استدلال می‌کند که این مفهوم حلقه واسط میان نظریه کلاسیک بازدارندگی و نظریه‌های مدیریت تشدید تنش است. بازدارندگی میان‌جنگی صرفاً به مدیریت تشدید تنش یا مدیریت بحران تقلیل نمی‌یابد، بلکه چارچوبی گسترده‌تر است که در آن بازیگران از مجموعه‌ای هماهنگ از ابزارهای نظامی، هسته‌ای، اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی، دیپلماتیک و ائتلافی برای تأثیرگذاری بر محاسبات راهبردی طرف مقابل، جلوگیری از عبور از خطوط قرمز و کنترل روند جنگ استفاده می‌کنند.

تحلیل تجربی جنگ اوکراین نیز مؤید این برداشت است. ایالات‌متحده و ناتو، با تکیه‌بر راهبرد بازدارندگی یکپارچه، ضمن حمایت همه‌جانبه از اوکراین، سطح و دامنه این حمایت را به‌گونه‌ای تنظیم کردند که از ورود مستقیم به جنگ با روسیه و افزایش احتمال رویارویی هسته‌ای جلوگیری شود. در مقابل، روسیه نیز در چارچوب بازدارندگی راهبردی، با بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های نظامی، هسته‌ای، سایبری، اطلاعاتی، اقتصادی و دیپلماتیک، تلاش کرد آزادی عمل راهبردی خود را حفظ کرده و مانع مداخله مستقیم ناتو در میدان نبرد شود. بدین ترتیب، اگرچه دو طرف اهداف متفاوتی را دنبال می‌کردند، اما هر دو در عمل از منطق مشترکی تبعیت کردند؛ یعنی اعمال فشار بر رقیب همراه با جلوگیری از عبور بحران به سطح جنگی فراگیر میان قدرت‌های هسته‌ای.

در پایان باید گفت اگرچه نظریه بازدارندگی در قرن بیستم عمدتاً بر جلوگیری از آغاز جنگ تمرکز داشت، اما تجربه جنگ اوکراین و تحولات پس از آن نشان می‌دهد که در قرن بیست‌ویک، فهم پویایی‌های امنیت بین‌الملل مستلزم توجه به مرحله‌ای جدید از بازدارندگی است؛ مرحله‌ای که در آن، بازدارندگی با آغاز جنگ پایان نمی‌یابد، بلکه با تغییر کارکرد، ابزارها و اهداف، در قالب «بازدارندگی میان‌جنگی» به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مدیریت رقابت‌های راهبردی میان قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شود.

** **نکته:** لازم به ذکر است که در این مقاله، در مواردی چون تنظیم درست و دقیق چکیده، مقدمه، نتیجه‌گیری، از هوش مصنوعی کمک گرفته شده است. همچنین، ترجمه برخی از مقالات به‌ویژه مقالات پی دی اف، توسط هوش مصنوعی انجام شده است. بعد از جستجوی منابع و نگارش مطالب، در ویرایش ادبی و علمی مقاله، چگونگی اصلاح مقاله بر اساس نظر داوران و در نهایت تنظیم درست فهرست منابع، هوش مصنوعی دیپسیک و چت جی پی تی کمک حال بوده است.

Translated References to English

Adamsky, D. (2024). The Russian way of deterrence: Strategic culture, coercion, and war. Stanford University Press.

Adamsky, D. (2024). Quo vadis, Russian deterrence? Strategic culture and coercion innovations. International Security, 49(3), 50–83. https://doi.org/10.1162/isec_a_00502

Allison, R. (2026). Averting acute escalation in Russia's war against Ukraine. International Affairs, 101(5), 1769–1791. https://doi.org/10.1093/ia/iiaf137

Axe, D. (2023). Ukraine's getting a bunch of MiG-29s from Poland and Slovakia. But what it really wants is F-16s. Forbes. https://www.forbes.com/sites/davidaxe/2023/04/03/ukraines-getting-a-bunch-of-mig-29s-from-poland-and-slovakia-but-what-it-really-wants-is-f-16s/

Babaei, M., Khalilinejad, R., & Keshkouipour. (2025). A comparative study of the political-security strategies of the first Trump and Biden administrations in the Ukraine conflict. American Strategic Studies, 5(1), 187–215. https://doi.org/10.47176/ASR.2025.1272 [**In Persian**]

Blinken, A. (2022). Interview on CNN's "State of the Union" [Television interview]. CNN.

Brodie, B. (1946). The absolute weapon: Atomic power and world order. Harcourt Brace.

Brooks, S., & Tchantouridze, L. (2023). The war in Ukraine: The failure of deterrence. Security Science Journal, 4(2). https://doi.org/10.37458/ssj.4.2.2

Brown, D., Horton, J., & Ahmedzade, T. (2023). Ukraine weapons: What tanks and other equipment are the world giving? BBC. https://www.bbc.com/news/world-europe-62002218

Bruusgaard, K. V. (2016). Russian strategic deterrence. Survival, 58(4), 7–26. https://doi.org/10.1080/00396338.2016.1207945

Caswell, L. D., Jr. (2024). The case of Ukraine: Deterrence by resilience. In J. A. Nagl & K. Crombe (Eds.), A call to action: Lessons from Ukraine for the future force. Strategic Studies Institute and U.S. Army War College Press.

Center for Global Security Research. (2024). Escalation, de-escalation, and intra-war deterrence [Workshop summary]. Livermore, CA. https://cgsr.llnl.gov/sites/cgsr/files/2024-08/Intrawar-Deterrence-Workshop-Summary.pdf

CNN. (2021). CIA Director had rare conversation with Putin while in Moscow last week. CNN Politics. https://edition.cnn.com/2021/11/08/politics/cia-director-putin-meeting/index.html

Colby, E. (2016). Prevailing in limited wars. In E. Colby (Ed.), Managing escalation and limiting war to achieve national objectives in a conflict in the Western Pacific. Center for a New American Security, file:///C:/Users/H.S/Downloads/766928.pdf

Congressional Research Service. (2021). The European Deterrence Initiative: A budgetary overview. https://comptroller.defense.gov/budget-materials

Costlow, M. R. (2024). Tailoring deterrence by studying restraints at the nuclear brink. National Institute for Public Policy
https://www.realcleardefense.com/2024/04/04/tailoring_deterrence_by_studying_restraints_at_the_nuclear_brink_1022957
Echevarria, A., II. (2024). Deterring war without threatening war: Rehabilitating the West's risk-averse approach to deterrence. Military Strategy Magazine. https://www.militarystrategymagazine.com/article/deterring-war-without-threatening-war-rehabilitating-the-wests-risk-averse-approach-to-deterrence/
Fink, A. L. (2017). The evolving Russian concept of strategic deterrence: Risks and responses. Arms Control Today. https://www.armscontrol.org/act/2017-07/features/evolving-russian-concept-strategic-deterrence-risks-and-responses
Frederick, B., Cozad, M., & Stark, A. (2023). Escalation in the war in Ukraine: Lessons learned and risks for the future. RAND Corporation. https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA2807-1.html
Freedman, L. (2004). Deterrence (Themes for the 21st Century). Polity Press
Freedman, L. (2023a). The Russo-Ukrainian war and the durability of deterrence. Survival, 65(6), 7–36. https://doi.org/10.1080/00396338.2023.2285598
Freedman, L. (2023b). Salami Slicing, Boiled Frogs, and Russian red lines. comment is freed. retrieved from https://coilink.org/20.500.12592/33dk89z
Hakala, J., & Melnychuk, J. (2021). Russia's strategy in cyberspace. NATO Strategic Communications Centre of Excellence. https://stratcomcoe.org/cuploads/pfiles/Nato-Cyber-Report_11-06-2021-4f4ce.pdf
Halas, Matus (2019).Proving a negative: why deterrence does not work in the Baltics, European Security,28(4),431-448, https://doi.org/10.1080/09662839.2019.1637855
Huth, P. (1988). Extended deterrence and the outbreak of war. American Political Science Review, 82(2), 423–443.
Huth, P., & Russett, B. (1988). Deterrence failure and crisis escalation. International Studies Quarterly, 32(1), 42.
Ionita, C.C. (2023). Conventional and hybrid actions in the Russia's invasion of Ukraine. Security and Defence Quarterly. https://securityanddefence.pl/Conventional-and-Hybrid-Action-in-the-Russia-s-invasion-of-Ukraine,168870,0,2.html
Jervis, R. (1982). Deterrence and perception. International Security, 7(3), 3–30. https://doi.org/10.2307/2538549
Jones, S. G. (2025). Russia's shadow war against the West. Center for Strategic and International Studies. https://www.csis.org/analysis/russias-shadow-war-against-west
Jonsson, O. (2019). The Russian understanding of war: Blurring the lines between war and peace. Georgetown University Press.
Kamalzare, H., & Kalantari, F. (2025). Analysis of hybrid warfare from the perspective of U.S. strategic documents: Capabilities and priorities. American Strategic Studies, 5(2), 11–37. doi: 10.47176/asr.2025.1287 [**In Persian**]
Kapsokoli, E. (2025). Weaponizing cyberspace: The Russia-Ukrainian war. Journal of Security Science. [volume/issue missing]

Kaushik, A. (2023). The war on Ukraine: A look at underemphasized Russian cyber operations. GLOBSEC. https://www.globsec.org/what-we-do/publications/war-ukraine-look-underemphasised-russian-cyber-operations

Kelley, M. (2024). 'Understanding Russian Disinformation and How the Joint Force Can Address It'. US Army War College.https://publications.armywarcollege.edu/News/Display/Article/3789933/understanding-russian-disinformation-and-how-the-joint-force-can-address-it

Kofman, M., Fink, A., & Edmonds, J. (2020). Russian strategy for escalation management: Evolution of key concepts. Center for Naval Analysis. https://www.cna.org/I_files/PDF/DIM-2020-U-026101-Final.pdf

Lanoszka, A., Sirotova, J., & Zaborowski, M. (2023). Will the Eastern flank be battle ready? GLOBSEC, https://www.globsec.org/what-we-do/publications/will-eastern-flank-be-battle-ready

Li, D., Allen, J. and Siemaszko, C. (2022). 'Putin using false 'Nazi' narrative to justify Russia's attack on Ukraine, experts say'. NBC.https://www.nbcnews.com/news/world/putin-claims-denazification-justify-russias-attack-ukraine-experts-say-rcna17537

Lo, J., Kang Jie, N., Lo, Hannah. (2022). Reconstructing the ladder: Towards a more considered model of escalation. Strategy Bridge.

Lupovici, A. (2023). Deterrence by delivery of arms: NATO and the war in Ukraine. Contemporary Security Policy, (4), 624–641. https://doi.org/10.1080/13523260.2023.2256572

Marahrens, S. (2024). The Russia-Ukraine conflict from a hybrid warfare cognitive perspective. The Defence Horizon Journal.

Masitoh, Y. T., Perwita, A.A.B., & Rudy, E. (2025). Integrated deterrence in practice: The 2022 United States National Defense Strategy towards the Russia-Ukraine war. International Journal of Humanities, Education, and Social Sciences, 3(3), 1030–1048. https://doi.org/10.58578/IJHESS.v3i3.7317

Mazarr, M.J. (2018). Understanding deterrence. RAND Corporation. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE295/RAND_PE295.pdf

Mazarr, M.J., & Ke, I. (2024). Integrated deterrence as a defense planning concept. RAND Corporation. https://www.rand.org/pubs/perspectives/PEA2263-1.html

Meisel, C. (2023). Failure in the "deterrence failure" dialogue. War on the Rocks. https://warontherocks.com/2023/05/failures-in-the-deterrence-failure-dialogue/

Meiser, J. (2017). America abroad: The United States' global role in the 21st century [Review of the book America abroad, by S. G. Brooks & W. C. Wohlforth]. Perspectives on Politics, 15,. https://doi.org/10.1017/S1537592717001980

Mills, C. (2023). Military assistance to Ukraine since the Russian invasion (Briefing Paper No. CBP-9477). UK House of Commons Library. https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-9477/

Miljković, M.D., & Marjanović, Z.M. (2023). The strategic deterrence measures of the Russian Federation: Terminology, definitions and some aspects of implementation in

the Ukraine conflict in 2022. Vojno delo, 75 (1), 32–45. https://doi.org/10.5937/vojdelo2301032M

Mitchell, R. (2022). How Amazon put Ukraine's 'government in a box' – and saved its economy from Russia. Los Angeles Times. https://www.latimes.com/business/story/2022-12-15/amazon-ukraine-war-cloud-data

Morgan, P. M. (2003). Deterrence now. Cambridge University Press.

National Defense Strategy of The United States of America (2022), (Washington, DC: Department of Defense, 2022), https://media.defense.gov/2022/ Oct/27/2003103845/-1/-1/1/2022-NATIONAL-DEFENSE-STRATEGY-NPR-MDR. PD

National Defense Strategy Commission. (2018). Providing for the common defense: The assessment and recommendations of the National Defense Strategy Commission. United States Institute of Peace. https://www.usip.org/sites/default/files/2018-11/providing-for-the-common-defense.pdf

NATO. (2020). NATO recognizes Ukraine as Enhanced Opportunities Partner. NATO News. https://www.nato.int/

Pezard, S., & Rhoades, A. L. (2020). What provokes Putin's Russia? Deterring without unintended escalation. RAND Corporation.

Powell, R. (1990). Nuclear deterrence theory: The search for credibility. Cambridge University Press.

Rabel, R. (2025). Global South and western divergence on Russia's war in Ukraine: implications for world order. International Affairs,101, (3), 1005–1021. https://doi.org/10.1093/ia/iiaf008

Reiter, D., & Poast, P. (2021). The truth about tripwires: Why small force deployments do not deter aggression. Texas National Security Review, 4(3), 33–53. http://dx.doi.org/10.26153/tsw/13989

Renz, B. (2023). Was the Russian invasion of Ukraine a failure of Western deterrence? Parameters, 53(4). https://doi.org/10.55540/0031-1723.3256

Roberts, B. (2021). Orienting the 2021 Nuclear Posture Review. The Washington Quarterly, 44(2), 12–142. https://doi.org/10.1080/0163665X.2021.1933745

Roberts, B. (2025). Between tragedy and catastrophe: Taking intra-war deterrence seriously (CGSR Livermore Paper). Center for Global Security Research. https://cgsr.llnl.gov/sites/cgsr/files/2025.09/CGSR_Livermore_Paper_16_Between%20Tragedy%20and%20Catastrophe%20WEB_0.pdf

Russian National Security Strategy. (2015). Decree of the President of the Russian Federation. http://kremlin.ru/acts/bank/40391

Reuters. (2025). US hits top Russian oil companies with sanctions, EU bans Russian LNG.
https://www.reuters.com

Schelling, T. C. (1966). Arms and influence. Yale University Press.

Schelling, T. C. (2008). Arms and influence (3rd ed.). Yale University Press. (Original work published 1996)

Simonite, T. (2022). The race to archive social posts that may prove Russian war crimes. Wired. https://www.wired.com/story/open-source-russia-war-crimes-ukraine

Soofer, R., & Costlow, M. R. (2022). An introduction to the 2020 report on the nuclear employment strategy of the United States. Real Clear Defense. https://www.realcleardefense.com/articles/2022/02/02/an_introduction_to_the_2020_report_on_the_nuclear_employment_strategy_of_the_united_states_814872.html

Stein, G.J. (2023). Escalation management in Ukraine: Assessing the U.S. response to Russia's manipulation of risk. Kissinger Center Papers, Johns Hopkins SAIS. https://sais.jhu.edu/kissinger/programs-and-projects/kissinger-center-papers/escalation-management-ukraine-response-russias-manipulation-risk

Stoicescu, K., & Järvenpää, P. (2019). Contemporary deterrence: Insights and lessons from enhanced forward presence. International Centre for Defence and Security, https://icds.ee/en/contemporary-deterrence-insights-and-lessons-from-enhanced-forward-presence/

Taghon, S., & Bossuyt, F. (2025). It takes four to tango: Why Trump's disregard for Ukraine and Europe forecloses just and sustainable peace. Ghent Institute for International and European Studies, https://www.ugent.be/ps/politiekewetenschappen/gies/en/research/publications/gies_papers/2025-one-year-trump/

Terrill, W. A. (2009). Escalation and intrawar deterrence during limited wars in the Middle East, (US Army War College Press, https://press.armywarcollege.edu/monographs/622

Trebesch, C., Nishikawa, T. (2026). Europe steps up: Ukraine support after four years of war, Kiel Institute for the World Economy, No. 203, www.kielinstitut.de/fileadmin/Dateiverwaltung/IfW-Publications/fis-import/dd24a73f-4270-46c5-9c40-bcc9df4f1672-KPB2023_EN.pdf

Trenin, D.V., Avakyants, S.I., & Karaganov, S.A. (2024). From restraining to deterring: Nuclear weapons, geopolitics, coalition strategy. Institute of World Military Economics and Strategy, National Research University – Higher School of Economics. chrome-extension://efaidnbmnnnibpcajpcglclefindmkaj/https://karaganov.ru/wpcontent/uploads/2024/11/from-restraining-to-deterring-1.pdf

U.S. Department of Defense. (2022). 2022 National Defense Strategy of the United States.

U.S. Department of War. (2024). Report on the Nuclear Employment Strategy of the United States (also known as The 491 Report), November 15, https://nipp.org/wp-content/uploads/2021/10/Final-Documentation-1.1.pdf

Utgoff, V. A., & Wheeler, M. O. (2013). Deterring and defeating attempts to exploit a nuclear theory of victory (IDA Paper P-4978). Institute for Defense Analyses

Von Hlatky, S., Lambert-Deslandes, É. (2024). The Ukraine War and nuclear sharing in NATO", International Affairs,100 (2), 509-530, https://doi.org/10.1093/ia/iiae001

Warden, J. (2018). Limited nuclear war: The 21st century challenge for the United States (Livermore Paper No. 4). Lawrence Livermore National Laboratory, https://cgsr.llnl.gov/sites/cgsr/files/2024-08/CGSR_LP4-FINAL.pdf

White House. (2022). 2022 National Security Strategy. https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Har-ris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf

White House (2021). Press Briefing by Press Secretary Jen Psaki and National Security Advisor Jake Sullivan, December 7, 2021 [Press briefing]. https://bidenwhitehouse.archives.gov/briefing-room/press-briefings/2021/12/07/press-briefing-by-press-secretary-jen-psaki-and-national-security-advisor-jake-sullivan-december-7-2021/

Williams, H., Younis, R., MacKenzie, L., Ford, C. A., Gibbons, R. D., Panda, A., Sisson, M. W., & Weaver, G. (2024). Intra-war deterrence in a two-peer environment (Project Atom). Center for Strategic and International Studies, https://www.csis.org/analysis/project-atom-2024-intra-war-deterrence-two-peer-environment

Wilner, A. (2013). Fencing in warfare: Threats, punishment, and intra-war deterrence in counterterrorism. Security Studies, 22(4), 740–772. https://doi.org/10.1080/09636412.2013.844524

Zarean, A., Mehraban halan, M., & Zarei, R. (2025). The role of economic sanctions in U.S. foreign policy: From behavior change to regime change. American Strategic Studies, 5(?), 59–87. https://doi.org/10.47176/ASR.2025.1247 [**In Persian**]

Zulhusni, M. (2024). Palantir and Microsoft partner to provide federal AI services. AINEWS. https://www.artificialintelligence-news.com/news/palantir-and-microsoft-partner-federal-ai-services/